



اداره‌ی مستقل ارگان‌های محلی؛

## مسئولیت سخن‌گویان والی‌ها به تنظیم روابط میان مسئولان ورسانه‌ها تغییر کرده است

اطلاعات روز: به دنبال نشر یک مکتوب دفتر شورای امنیت ملی مبنی بر حذف بست‌های سخن‌گوی والیان، اداره‌ی مستقل ارگان‌های محلی می‌گوید که سخن‌گویان والی‌ها پس از این...

صفحه ۲

کابل‌ن؛

## سگرت، رادیو و جنجال‌های بی‌پایان

صفحه ۳

## دور باطل مبارزه با آلودگی هوا

حتا اگر تمامی ۶۰۰ بلندبند منزل فلتر نصب کنند، آلودگی کاهش نمی‌یابد



صفحه ۵



## انفجار بر کاروان موترهای یک عضو مجلس نمایندگان در کابل؛ دست کم ۹ نفر کشته شدند

۲

## ایران گزارش دبیرکل سازمان ملل درباره نقض قطعنامه ۲۲۳۱ را رد کرد

اطلاعات روز: مجید تخت‌روانچی، نماینده ایران در سازمان ملل شنبه ۲۹ قوس در نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل و رییس دوره‌ی شورای امنیت، موضع تهران در قبال گزارش تازه دبیرکل سازمان درباره قطعنامه ۲۲۳۱ را بیان کرده است. خبرگزاری‌های بین‌المللی ۱۸ قوس به نسخه‌ای از گزارش | صفحه ۶

## زلمی خلیل‌زاد: دولت و طالبان هر چه زودتر روی آتش‌بس به توافق برسند

اطلاعات روز: زلمی خلیل‌زاد، نماینده ویژه آمریکا برای صلح افغانستان از جمهوری اسلامی افغانستان و گروه طالبان خواسته است که هر چه زودتر خشونت‌ها را کاهش داده و روی آتش‌بس به توافق برسند. آقای خلیل‌زاد شنبه شب (۲۹ قوس) در رشته توییتی، | صفحه ۲

یادداشت‌روز

## خواب غفلت در سیاست فرهنگی افغانستان

پس از آن‌که هنر مینیاتوری در پانزدهمین اجلاس مجازی کمیته‌ی بین‌الدول میراث فرهنگی ناملموس به‌عنوان میراث فرهنگی ناملموس بشریت در یونسکو ثبت شد، وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان به این اتفاق اعتراض کرد. وزارت فرهنگ افغانستان مدعی است که در پرونده‌ی ثبت هنر مینیاتوری فقط کشورهای ایران، ترکیه، آذربایجان، ازبکستان و ترکمنستان حضور دارند و افغانستان که زادگاه اصلی این هنر کهن است، غایب بزرگ این پرونده است.

افغانستان، هندوستان و تاجیکستان پس از ثبت مینیاتوری در یونسکو، خواستار اضافه‌شدن به فهرست مشمولین این پرونده شده‌اند. معاون میراث فرهنگی ایران در اجلاس مجازی کمیته‌ی بین‌الدول میراث فرهنگی ناملموس گفته است که کشورهای شامل در پرونده، در صددند سه کشور دیگر را که خواهان حضور در این پرونده هستند شامل کنند.

به نظر می‌رسد اعتراض افغانستان به غیبت در پرونده‌ی این هنر کهن، متمرکز واقع شده و در فهرست میراث‌داران این هنر افزوده شود. اما فارغ از موفقیت افغانستان در به کرسی‌نشاندن مطالبه و دریافت پاسخ مثبت به اعتراض‌اش...

۲

گزارش

## درس‌های صلح ناموفق سومالی برای افغانستان

چرا میانجی‌گری در روند صلح سومالی پس از سه دهه همچنان ناکام است؟

از آغاز بحران، جنگ داخلی و فروپاشی دولت سومالی حدود سه دهه می‌گذرد و طولانی‌ترین | صفحه ۴



تحلیل

## اثر مار کبرا؛ از طالبان تسلیمی تا بخشیدگی مالیاتی

بدتر کند به آن اثر کبرا گفته می‌شود. در واقع عواقب ناخواسته‌ای که بر اثر راه حل پیشنهادی ایجاد می‌شود از خود مشکل بیشتر و بزرگ‌تر است. در زمان استعمار انگلیس بر هند، | صفحه ۴

اقتصاد پر است از تئوری‌هایی که از واقعیت‌های جامعه طرح شده‌اند. اثر کبرا (Cobra Effect) یکی از این تئوری‌هاست؛ براساس این نظریه هرگاه راه حلی برای یک بحران پیشنهاد شود و این راه حل مشکل را

گزارش

## کمال‌گرایی چیست، کمال‌گرا کیست؟

شما هم ممکن است با شنیدن واژه «کمال‌گرا» فوراً یاد کسی بیفتید؛ رییس، همکار یا حتا یک دوست کاری‌تان که استانداردهایش تقریباً هیچ ربطی به واقعیت ندارد. آن‌ها از خودشان، یا دیگران، توقع انجام غیرممکن‌ها را دارند. آن‌ها ساعت‌ها و روزها می‌نشینند و کارهایی را انجام می‌دهند که برای کسی جز خودشان مرئی نیست و پایان هفته هم خسته و کوفته از آن کار خود دست می‌کشند.

این دست افراد اغلب حتا این خصلت را تبلیغ می‌کنند و با شادی جار می‌زنند: «من کمی کمال‌گرا هستم!» در واقع این یک نوع لاف است و در محیط کاری برای مثال، راهی برای تمایز دادن خودشان از دیگران به‌عنوان یک کارمند ستاره. آخر کسی است که نخواهد کارمندی استخدام کند که برای رسیدن به کمال تلاش می‌کند؟

پاسخ این پرسش ممکن است یک «نه» قاطع نباشد. پژوهش‌ها به‌طور فزاینده نشان می‌دهد که...

۳

با اینترنت پر سرعت  
افغانستان، از گیم‌های آنلاین  
لذت ببرید!

SALES: +93 728 000 054  
SUPPORT: +93 728 000 055

AFGHANET.COM



ماجرای درخواست ۵ کشور مبنی بر ثبت شدن مینیاتوری در فهرست میراث فرهنگی ناملموس بشریت، برای چندمین بار نشان داده است که سیاست فرهنگی افغانستان، در خواب غفلت قرار دارد. سیاست فرهنگی در افغانستان، دنباله‌رو اتفاقات و رویدادها، منفعل و از حوادث و رخدادها فرهنگی عقب افتاده است.

اعتراض به غیبت افغانستان در پرونده‌ی ثبت هنر مینیاتوری در یونسکو صرفاً نشان می‌دهد که مسئولان و نهادهای فرهنگی ما به‌صورت خاص و سیاست فرهنگی کشور به‌صورت عام، چقدر از باغ فرهنگ و هنر پرت است. مدت‌ها قبل، کشورهای ترکیه، ایران، آذربایجان، ترکمنستان و ازبکستان، اقدامات ارانه‌ی پرونده‌ی هنر مینیاتوری را به کمیته‌ی بین‌الدول میراث فرهنگی ناملموس سپیدند. مسئولان فرهنگی این کشورها برای تصویب این طرح، رابطه ایجاد کردند، لابی کردند، اسناد و مدارک و استدلال ارائه کردند و تا مرحله‌ی تصویب طرح، امکان‌های موفقیت درخواست‌شان را مرحله به مرحله فراهم نمودند. افغانستان اما، زمانی از ماجرا مطلع شد که خبرگزاری‌ها و رسانه‌ها گزارش کرد این طرح به تصویب کمیته‌ی بین‌الدول میراث‌های فرهنگی ناملموس رسیده است. این اتفاق نشان می‌دهد که افغانستان از جرگه‌ی روابط، سیاست‌گزاری‌ها و اقدامات فرهنگی کشورهای منطقه که میراث‌های فرهنگی مشترک فراوانی دارند، به کلی پرت است.

چگونه ممکن است نهادها، مسئولان و سازوکارهای فرهنگی رسمی دولت افغانستان، تا زمان اعلام اتفاق در رسانه‌ها از روندی که توسط ۵ کشور در یکی از ارگان‌های فرهنگی سازمان ملل متحد پی‌گیری می‌شد بی‌خبر مانده است؟ پاسخ این پرسش چیزی جز انفعال در دستگاه و سیاست فرهنگی افغانستان نیست.

سیاست فرهنگی افغانستان باید از حالت دفاعی و انفعالی خارج شده و رویکرد پیش‌روانه بگیرد. افغانستان یکی از کهن‌ترین کشورها و میراث‌دار تمدن‌ها، هنرها و آثار فرهنگی ارزشمندی در سطح جهانی است. سیاست فرهنگی فعال، کمک می‌کند که وجهه‌ی تاریخی، تمدنی و فرهنگی افغانستان در سطح جهان معرفی و به رسمیت شناخته شود. آشکارشدن این چهره، به افغانستان کمک می‌کند که بخشی از غبار خشونت، فقر، جنگ و نابه‌سامانی را که اکنون بر هویت کشور سایه افکنده و به بارزترین شاخص‌های کشور برای جهانیان تبدیل شده است، از هویت باستانی، فرهنگی و تمدنی خود بزدايد.

فارغ از سهم‌گیری در روندها و تلاش‌های فرهنگی منطقه‌ای و جهانی، یکی از اولویت‌ها، توجه جدی، متعهدانه و واقعی به حفظ، مرمت و ارزش‌گذاری به آثار و ابدات تاریخی، فرهنگی و تمدنی ملموس و فیزیکی در داخل مرزهای کشور است. صدها ابد و مکان تاریخی، اثر فرهنگی و میراث تمدنی در کشور نیازمند حفاظت، مرمت، توجه و برجسته‌سازی است. در نبود سیاست فرهنگی پیش‌رو و فعال، نهادهای فرهنگی مسئول، فقط در مواقعی به خود تکان اندکی می‌دهد که باران، باد، برف، گذر زمان و فرسایش، ابد‌های از ابدات تاریخی را در معرض نابودی کامل قرار دهد. بارها شاهد این رخداد بوده‌ایم. گراف نیست اگر بگوئیم اعتراض افغانستان به غیبت‌اش در پرونده‌ی ثبت هنر مینیاتوری در فهرست میراث‌های فرهنگی ناملموس بشریت، چیزی بیشتر از «بالا آمدن رگ غیرت افغانی» نیست. صدها ابد، میراث، و مکان فرهنگی، تاریخی و تمدنی در افغانستان نیازمند توجه و مرمت و حفاظت است اما برخی‌ها حتا به تشناب‌های عمومی تبدیل شده است. این اتفاق برای فرهنگ و سیاست‌گزاری فرهنگی کشور یک فاجعه‌ی شرم‌آور است. خواب غفلتی که سال‌هاست ادامه دارد باید پایان یابد. سیاست فرهنگی کشور باید از انفعال و دنباله‌روی به رویکرد پیش‌روانه تغییر مسیر دهد.

اطلاعات روز: وزارت امور داخلی کشور می‌گوید که در نتیجه‌ی انفجار صبح دیروز (یک‌شنبه، ۳۰ قوس) در شهر کابل، دست‌کم نه نفر کشته شده‌اند.

طارق آرین، سخن‌گوی وزارت امور داخله در رشته‌توییتی گفته است که در این انفجار که در ساحه‌ی «سپین‌کلی» در مربوطات ناحیه‌ی پنجم شهر کابل رخ داده، ۱۵ نفر دیگر به‌شمول خان‌محمدوردک، از اعضای مجلس نمایندگان زخمی شده‌اند.

او افزوده که کودکان، زنان و کهن‌سالان نیز شامل زخمیان این رویدادند. آقای آرین تأکید کرده است که این رقم ابتدایی است و ممکن تغییر کند.

همچنان به گفته‌ی او، در این انفجار به خانه‌های اطراف رویداد نیز خسارات

هنگفتی وارد شده است.

وزارت داخله‌ی کشور گفته که این حملات تروریستی، دوام جنایت تروریستان را علیه مردم نشان می‌دهد.

در همین حال، یک منبع امنیتی در صحبت با روزنامه اطلاعات روز گفت که در این انفجار کاروان موترهای خان‌محمد وردک هدف قرار گرفته است.

فرد یا گروهی نیز تا کنون مسئولیت این رویداد را بر عهده نگرفته است.

#### واکنش‌ها به این انفجار

ارگ ریاست‌جمهوری، شورای عالی مصالحه‌ی ملی، میررحمان رحمانی، رییس مجلس نمایندگان، پاکستان و قطر تاکنون نسبت به انفجار بر کاروان

موترهای خان‌محمد وردک واکنش نشان داده و آن را محکوم کرده‌اند.

ارگ ریاست‌جمهوری با نشر اعلامیه‌ای، آن را به‌صورت ضمنی به گروه طالبان نسبت داده است. در اعلامیه از این گروه خواست شده است که از جنگ «نامشروع خود بر ضد مردم افغانستان و آسیب‌رسانیدن به تأسیسات عامه‌المنفعه دست بردارند و خواست مردم، حکومت و جامعه‌ی بین‌المللی را برای آتش‌بس دائمی و صلح پایدار بپذیرند».

شورای عالی مصالحه‌ی ملی نیز با نشر خبرنامه‌ای، حمله بر کاروان موترهای خان‌محمد وردک را بزدلانه، جنایت جنگی، ضدبشری و عملی نابخشودنی خوانده است.

## انفجار بر کاروان موترهای یک عضو مجلس نمایندگان در کابل؛

### دست‌کم ۹ نفر کشته شدند

در اعلامیه تأکید شده است: «عاملان چنین حملات کور و ظالمانه، دشمنان صلح و آرامش مردم افغانستان هستند.» میررحمان رحمانی نیز با نکوهش این حمله گفته است که این حمله در ادامه‌ی حملات هدفمند، دشمنان صلح و آرامش مردم افغانستان علیه نخبگان و شخصیت‌های سیاسی کشور صورت گرفته است.

منصوراحمد خان، سفیر پاکستان در افغانستان در ضمن محکومیت این حمله گفته که تمامی طرف‌های درگیر باید برای کاهش خشونت کار کنند.

وزارت خارجه‌ی قطر نیز در اعلامیه‌ای حمله‌ی دیروز در کابل را محکوم کرده است.

#### اداره‌ی مستقل ارگان‌های محلی:

### مسئولیت سخن‌گویان والی‌ها به تنظیم روابط میان مسئولان و رسانه‌ها تغییر کرده است

در شهر تالقان، مرکز ولایت تخار گرفته است.

در مکتوب گفته شده است که اطلاعات به نشر رسیده، از این حمله توسط محمدجواد هجری، سخن‌گوی پیشین والی تخار ناشی از اطلاعات نادرست بوده است.

آقای هجری در آن هنگام به رسانه‌ها گفته بود که در این حمله‌ی هوایی که در تاریخ ۳۰ میزان در منطقه‌ی «هزاره قرق» شهر تالقان راه‌اندازی شده بود، دست‌کم ۱۲ غیرنظامی به‌شمول کودکان کشته و ۱۴ کودک دیگر نیز زخمی شدند. اما براساس مکتوب دفتر شورای امنیت ملی، وزارت دفاع گزارش کرده است که در این حمله‌ی هوایی بر یک قرارگاه موقت گروه طالبان راه‌اندازی شده بود.

این وزارت افزوده است: «بالاخر موج راکت هوایی و نیز براساس معلومات منابع محلی، دشمن در جریان ضربه از سلاح‌های ثقیله در ساحه استفاده کرده که به تعداد هشت نفر به‌شمول مولوی مسجد سطحی زخمی شده‌اند.»

امرالله صالح، معاون نخست ریاست‌جمهوری کشور نیز در هنگام راه‌اندازی این عملیات، تلفات غیرنظامیان را رد کرده بود.

اکنون اما، سخن‌گوی پیشین والی تخار گفته است که او جزئیات ابتدایی تلفات غیرنظامیان در این حمله را براساس معلومات نجیب‌الله نجیب، از فرماندهان خیزش‌های مردمی در هزاره قرق ارایه کرده است. او در صفحه‌ی فیسبوکش گفته که رقم نهایی تلفات غیرنظامیان به ۹ کشته و ۱۳ زخمی کاهش یافته است. به گفته‌ی او، کشته‌شدگان همه کودکان دارای سنین شش الی ۹ سال بوده‌اند.

آقای هجری همچنان گفته است که پس از ارایه‌ی معلومات ابتدایی این حمله‌ی هوایی، به هدایت معاون نخست ریاست‌جمهوری کشور توسط ریاست امنیت ملی تخار به مدت سه روز تحت نظارت قرار گرفته است.

او افزوده است که برخلاف قوانین امور ذاتی مأمورین خدمات ملکی از وظیفه انفعال شده است.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نیز در هنگام راه‌اندازی این عملیات اعلام کرده بود که به غیرنظامیان در این حمله تلفات وارد شده است.

#### واکنش‌ها به این تصمیم حکومت

تاکنون کمیسیون دسترسی به اطلاعات و نهاد حمایت‌کننده‌ی

#### زلی خلیل‌زاد:

### دولت و طالبان هر چه زودتر روی آتش‌بس به توافق برسند

این درحالی است که مذاکرات صلح بین‌افغانی از چند به این سو، به‌منظور بحث و مشورت هیأت‌های مذاکره‌کننده روی آجندای آن، متوقف است. قرار است دور بعدی مذاکرات در شانزدهم جدی آغاز شود.

از سوی هم، در جریان مذاکرات صلح، موجی از خشونت‌ها و حملات طالبان در بخش‌هایی از کشور به‌گونه‌ی غیرمنتظره افزایش یافت، چنانچه در روزهای اخیر نیز درگیری‌های مستقیم و حملات هدفمند از مردم افغانستان قربانی می‌گیرد.

براساس آخرین گزارش وزارت داخله، در جریان سه ماه اخیر (مرحله‌ی اول مذاکرات صلح) نزدیک به ۵۰۰ غیرنظامی در نتیجه‌ی حملات انتحاری و انفجار ماین‌های طالبان کشته و بیش از یک‌هزار غیرنظامی دیگر زخمی شده‌اند.



جمهوری اسلامی افغانستان و طالبان باید به خواست‌های مردم احترام گذاشته و هر چه زودتر به یک توافق سیاسی برسند. او همچنان گفته است که ایالات متحده‌ی آمریکا در کنار مردم افغانستان ایستاده است.

تضعیف صلح، ختم دائمی خشونت و یک افغانستان مرفه است. خلیل‌زاد همچنان از دولت و طالبان خواسته است که برای حفاظت از جان غیرنظامیان، از جمله کودکان و بزرگسالان، به خطرات مواد منفجرناشده و ماین‌ها در ساحات تحت کنترل‌شان رسیدگی کنند.

نماینده‌ی ویژه‌ی آمریکا برای صلح افغانستان در ادامه نوشته است که در موجودیت توافق‌نامه آمریکا - طالبان، اعلامیه‌ی مشترک آمریکا - افغانستان، حمایت گسترده‌ی بین‌المللی از صلح و آغاز مذاکرات بین‌افغانی؛ اکنون جنگ از نظر شمار زیادی افغان‌هایی که آرزوی صلح و امنیت را دارند، مشروعیت‌اش را از دست داده است.

آقای خلیل‌زاد تأکید کرده است که

اطلاعات روز: زلمی خلیل‌زاد، نماینده‌ی ویژه‌ی آمریکا برای صلح افغانستان از طالبان خواسته است که هر چه زودتر خشونت‌ها را کاهش داده و روی آتش‌بس به توافق برسند.

آقای خلیل‌زاد شنبه‌شب (۲۹ قوس) در رشته‌توییتی، انفجار روز جمعه در ولسوالی گیلان غزنی را که از کودکان قربانی گرفت، محکوم کرده است.

خلیل‌زاد نوشته است که آمریکا سطح بلند خشونت‌های جاری در افغانستان و همچنان کسانی را که این‌گونه حملات را انجام می‌دهند، محکوم می‌کند. او افزوده است: «کشتن و مرگ افغان‌ها، به‌شمول غیرنظامیان بسیار معمول شده است.» به گفته‌ی او، هدف کسانی که دست به افزایش خشونت و حملات خونبار می‌زنند،



کابل‌نان  
این‌جا کابل جان است

## سگرت، رادیو و جنجال‌های بی‌پایان

سهراب سروش

چند روز پیش بدون این که قصد رفتن جایی را داشته باشم، داخل یک «کاستر» شدم. کاستر در گولایی دواخانه منتظر نوبت ایستاده بود. «کلینر» ش تا رسیدن نوبت جایی رفته بود. راننده‌اش پشت دایره‌ی فرمان تنهای تنها نشسته بود و به نقطه‌ی نامعلومی خیره مانده بود. سیگار می‌کشید و به نقطه‌ی نامعلومی خیره مانده بود. شاید در آن لحظه خاطرهای در حافظه‌اش زنده شده بود و او آن قدر محو تماشایش بود که متوجه ورود من به موترش نشد. من متوجه صدای یک خانم آوازخوان هندی شدم که از رادیویی موترش می‌خواند: «بازیگر او بازیگر!»

وقتی برایش سلام کردم، گویی روحش از جایی دوری برگشت، کمی سراسیمه شد و خاکستر سیگارش تکیه روی دامنش. گفتم اجازه هست کمی باهم قصه کنیم؟ پرسید در باره‌ی چه؟ پس از این که توضیح دادم لب‌خند زد و تعارف کرد که روی چوکی کنارش بنشینم. اسمش «سلیمان» بود. ۴۰ سال عمر داشت. در یک خانه‌ی کرایبی در پل خشک برچی زندگی می‌کرد. وقتی پرسیدم چند سال است که از راه رانندگی نان می‌خورد، در گوشه‌ی سمت چپ کاسترش، آن‌جا که سقف موتر به شیشه می‌رسید، عکسی را نشان داد که سه مرد جوان جلو یک کاستر زرد کنار هم ایستاده بودند. یکی آنان جوانی‌های سلیمان بود. هر سه به یک چیز نگاه می‌کردند؛ به دوربین عکاس. به نظر می‌رسید کاستر وسط یک جنگل رفته است. پشت سر کاستر یک ردیف درخت بزرگ بید به آسمان رفته بودند. گفت از جوانی تا حالا رانندگی می‌کنم. در مورد عکس پرسیدم. گفت آن‌جا دره‌ی «سنگ‌لاخ» ولسوالی جلریز ولایت میدان وردک است. آن وقت سال‌های اول حکومت کرزی بود.

قصه‌ی ما تازه گرم شده بود که کلینرش پیدا شد و داد زد: «چالان کو خلیفیم» بعد بدون این که منتظر جواب خلیفه‌اش بماند، شروع کرد به فریاد زدن: «هله بخیر، شار زو، عاجل زو، چوکی‌های خالی، پل سرخ، دهمزنگ، سینمای پامیر». یک خانم چاقی با سه کودک، اولین کسی بود که نفس‌نفس زنان و درحالی که با کودکش کلمات می‌کرد، از پله‌های کاستر بالا آمد و روی اولین چوکی نشست. خلیفه سلیمان موترش را روشن کرد و بدون درنگ مثل قالیچه‌ی سلیمان حرکت داد، اما به آسمان نرفت؛ کمی پیشتر، جایی کاستری توقف کرد که با چوکی‌ها و فضای پر از آدم راهی سینمای پامیر شده بود.

ده دقیقه‌ای طول کشید تا کاستر خلیفه سلیمان نیز پر از آدم شود. یک ساعت دیگر طول کشید تا ما به سینمای پامیر رسیدیم. تمام این مدت رادیو می‌خواند و سیگار خلیفه دود می‌کرد. در مسیر راه برایم قصه کرد که تازه دو ماه می‌شود موترم را به «لین انداخته‌ام». پیش از آن روزی یک بار مأمورین یک اداره را تا چهارراهی عبدالحق می‌بردم و می‌آوردم. ولی حالا سه روز هفته در در سرک برچی و سه روز دیگر در «لین شار» کار می‌کنم. هر روز پنج دقیقه رفت و برگشت می‌کنم. هر شام چهار صد افغانی از کرایه‌ای به دست آمده را به کلینر می‌دهم. کلینرش چراغ‌علی نام داشت. چراغ‌علی در طول مسیر سرگرم جنجال و غالمغال با سواری‌ها بود. جنجالی‌ترین بخش کارش جمع‌آوری کرایه بود. برای این که از جنجالش کاسته باشد، کرایه را وسط راه جمع می‌کرد.

یکی پول می‌ده نداشت. یک نفر از جیبش هزاری بیرون آورده بود. یک نفر دیگر فقط به اندازه‌ی نصف کرایه در جیبش بود. خانمی که با سه کودکش سوار شده بود، فقط کرایه خودش را حساب کرد و در دهمزنگ از موتر پیاده شد. چراغ‌علی بیست رویگی یک خانم را نگرفت و گفت که هم گوشه‌اش نیست و هم نمبرش بدل است. خانم گفت: «می‌چلد، می‌چلد. اگر نچلید به بانک ببر.» «من به خاطر بیست افغانی تو بانک رفته نمی‌توانم. اگر نداری، مثل ای بیدار بگویند که ندارم. پنج روپیه‌اش را گرفتم و گفت خدا یارت.»

دیدم آن مرد از شرم سرخ شد. از میان لباس‌های کارش فقط پلک می‌زد. خانمی که همراه خانم اول بود، پرسید: «کجای این پول عیب دارد؟»

چراغ‌علی گفت: «مثل پیسه گدایی‌گرها واری شاریده است.» خانم ناگهان اعصابش به هم ریخت و با پرخاش گفت: «خودت گدایی‌گر استی اولاد سگا! مادرت گدایی‌گر اس، لباسی جانت مثل گداها است...» آن قدر تندتند و بلندبلند قطار می‌کرد که تمام سروصداهای داخل موتر خاموش شد. توجه همه به آن دو جلب شده بودند. چراغ‌علی نیز لحنش را تند کرد: «من اگر گدایی‌گر بودم این لباس را نمی‌پوشیدم. لباس کارم‌اس و پشت غریبی بیرون آمده‌ام. تو جای فشن، کرایه مه بتی. کل گچ شار زو روی خود چل کدی، باز پیسه ته سیل کو. قیمت گچ به خاطر تو ز شار بالا رفته...» با این جواب خانم‌ها کنترل‌شان را از دست دادند. به ظاهر خواهر هم بودند. خواهران برای کلینر خواهر و مادر نماندند. اگر جایی مسابقه‌ی فحاشی برگزار شود، مطمئنم آن‌ها قهرمان می‌شوند. فحش‌های‌شان جدید و شنیده‌ناشده بود. تمامی نداشت. خلیفه سلیمان مجبور شد موترش را کنار سرک متوقف کند. بعد رویش را به پشت سرش چرخ داد و گفت: «همشیرها، حیف که مرد نیستید، اگر نه از موتر پایین شده، همان قدر می‌زدم که به جای خانه، شفاخانه می‌رفتید.» مردم از هر طرف، دو طرف را به آرامش دعوت می‌کردند. خانم‌ها درحالی که یک ریز فحش می‌دادند، وسط راه از موتر بیرون رفتند.

خلیفه سلیمان وقتی ادامه‌ی مسیرش را پی گرفت، بحث داغی در باره‌ی پول ناچل میان سواری‌ها در گرفته بود، ولی او نمی‌شنید، به سیگارش پک می‌زد و صدای رادیویش را بالا برده بود. ناگهان صدای رادیویش را پایین آورد و گفت: «روزگار ما مردم اینی رقم اس، فامیدی؟» این جا کابل جان است.

## کمال‌گرایی چیست، کمال‌گرا کیست؟



با آن‌ها که هرچند خیلی لایق محسوب نمی‌شوند، همکار شوند. این مطالعه یافته‌ی دیگری نیز داشت، و آن این‌که به نظر می‌رسد کمال‌گراها کمی از جانب همکاران خود احساس سردی می‌کنند زیرا برپایه این مطالعه بسیاری از کمال‌گراها احساس طردشدن می‌کنند یا در آستانه خروج از پویایی تیمی قرار دارند.

### رویکردهای متفاوت

این‌روزها اکثر پژوهش‌گران بر این نکته اتفاق نظر دارند: آن‌ها که کمال‌گرایی اشکال مختلفی دارد که برخی از آن‌ها ممکن است مضرت‌تر از دیگران باشد. یک تعریف تقریباً قابل‌قبول برای همه، کمال‌گرایان را به سه گروه تقسیم می‌کند. یک آدم امکان دارد «کمال‌گرای خودمحور» باشد، کسی که استانداردهای بسیار بالا را فقط برای خودش تعیین می‌کند. گروه دوم «کمال‌گرای اجتماعی» است، کسانی که معتقدند پذیرفته‌شدن از جانب دیگران، به کمال خود شما بستگی دارد. گروه سوم «کمال‌گرای دیگرگرا» است، کسانی که انتظار دارند اطرافیان‌شان بی‌عیب و نقص باشند. هر گروه نقاط قوت و ضعف خاص خودش را دارد و برخی برای پویایی تیمی بیش از دیگری مضر است. (مطالعه کشف‌سکی و اتو نشان داد که کنارآمدن با کمال‌گرایی که تلاش برای تعالی‌شان را به کار خود محدود می‌کنند، بسیار راحت‌تر از کمال‌گرایی است که از اطرافیان خود بسیار انتظار دارند.)

یک فراتحلیل گسترده ۳۰ سال مطالعه بر روی کمال‌گرایی که در انستیتوت فناوری جورجیا انجام شده، سیستم طبقه‌بندی دیگری را که معمولاً در مورد کمال‌گرایی و کمال‌گرایان استفاده می‌گردد، کاوش کرد. طبق این سیستم دو نوع کمال‌گرا داریم: «تعالی‌جویان» و «شکست‌نخواهان». نوع اول کمال‌گرایان بر دست‌یابی به استانداردهای بیش از حد بالا تمرکز دارند. نوع دوم، وسواس دارند که اشتباه نکنند. درحالی‌که هر دو گروه برخی از نکات منفی کمال‌گرایی از جمله خوره کاری (اعتیاد به کار)، اضطراب و فرسودگی شغلی را از خود نمایش می‌دهند اما این نکات منفی بیشتر در مورد کمال‌گرایان «شکست‌نخواه» صدق می‌کند. پژوهش‌گر دانا هراری، که روی این فراتحلیل کار کرده، می‌گوید که هرچند کمال‌گرایان ممکن است همکاران نامطلوبی باشند، اما هیچ رابطه‌ای بین کمال‌گرایی و عملکرد شغلی در هیچ‌یک از دو گروه وجود ندارد. او می‌گوید: «از نظر من مهم‌ترین نکته این پژوهش این است که رابطه بین کمال‌گرایی و عملکرد شغلی خنثا است. یعنی نه مثبت است، نه منفی. بلکه واقعا خنثا است.»

همکار کمال‌گرای شما ممکن است خودش را به‌ویژه هنگامی که صحبت از کنارآمدن با دیگران است، آماده‌ی شکست کند. پژوهش نشان می‌دهد که کمال‌گرایان با انداختن تمام زورشان روی یک کار، ممکن است سهوا در طول مسیر از دیگران غافل شوند یا ارزش حفظ روابط مثبت با همکاران‌شان را از دست دهند. در همین حال، افرادی که کمال‌گراها را مدیریت می‌کنند، باید آن‌ها را تشویق کنند که کمتر روی کارشان و کمی بیشتر روی آسایش‌شان سرمایه‌گذاری کنند.

و اگر شما هم با خواندن این مطلب درباره رفتار خود در محل کار احساس گناه می‌کنید، راحت باشید. بالاخره هیچ‌کس کامل نیست.

باشد. اما از نظر کشف‌سکی بررسی کمال‌گرایی در محیط کار و روابط بین آدم‌ها نیز ارزش خودش را دارد: «ما از پژوهش‌های قبلی می‌دانیم که شرایط تیمی خوب برای آسایش و بهزیستی روانی در کار مهم است.»

کشف‌سکی و همکارش زمان خوبی را برای این پژوهش انتخاب کرده‌اند؛ شواهد نشان می‌دهد که کمال‌گرایی در جهان درحال افزایش است. پژوهش‌گران انگلیسی اندرو هیل و توماس کوران در سال ۲۰۱۸ پاسخ بیش از ۴۰ هزار دانشجوی را به پرسش‌نامه‌ای با عنوان «مقیاس کمال‌گرایی» که بین سال‌های ۱۹۸۶ و ۲۰۱۵ جمع‌آوری شده بود، بررسی کردند. نتایج این بررسی واضح بود: جوانان در سال ۲۰۱۵ نسبت به همتایان خود در مثلا سال ۱۹۹۰ کمال‌گراتر بودند. دانشجویانی که تازه دوره دانشگاه خود را سپری می‌کنند، چه «نسل هزاره» و چه «نسل زد»، نسبت به نسل‌های پیشین انتظارات بیشتری از خود دارند و فکر می‌کنند که دیگران نیز انتظار بیشتری از آن‌ها دارند.

### آیا کمال‌گرایی فایده‌ای هم دارد؟

قبل از حدود سال ۱۹۱۰، از واژه «کمال‌گرایی» به‌طور کلی برای توصیف دیدگاه الهیاتی خواص پسند استفاده می‌شد. در حدود یک قرن گذشته، استفاده از این واژه برای توصیف یک جهان‌بینی خاص رایج شده است: کسی که در یک مبارزه شخصی برای بی‌عیب‌ونقص‌بودن نمی‌خواهد اشتباه کند، کمال‌گرا است.

در ابتدا بسیاری از روان‌شناسان فکر می‌کردند که کمال‌گرایی کاملاً منفی و روان‌رنجور است. در سال ۱۹۵۰، کارن هورنی، روان‌کاو آلمانی کمال‌گرایان را آدم‌هایی توصیف کرد که اسیر «استبداد باید» هستند. او گفت که این افراد احساس می‌کنند که «باید» قادر به حل هر مشکل، انجام کارهای غیرممکن و غیره باشند. در دهه‌های پس از سال ۱۹۵۰، نظر آکادمیک درباره کمال‌گرایی کمی نرم‌تر شده است. کمال‌گرایی از یک طرف به‌نظر می‌رسد با مشکلات سلامت روان، از جمله افسردگی، اضطراب و اختلالات خوردن ارتباط نزدیک دارد. (از نظر حرفه‌ای، کمال‌گرایی می‌تواند برابر با فرسودگی شغلی و استرس باشد، زیرا انتظار غیرممکن از خودمان ممکن است به معنای کشاندن خودمان به کام شکست باشد.) از طرف دیگر، مشخص شده که کمال‌گراها نسبت به همکاران غیرکمال‌گرای خود باانگیزه‌تر و وظیفه‌شناس‌تر هستند؛ دو ویژگی بسیار مطلوب یک کارمند.

در بهترین حالت، کمال‌گرایان استانداردهای خود را موفقانه برای انجام کارهای بزرگ به کار می‌بندند، درحالی‌که وقتی اوضاع خوب پیش نرفت بر خود و دیگران خیلی سخت نمی‌گیرند.

اما ایجاد چنین تعادلی در کمال‌گرایان همیشه آسان نیست. در مطالعه کشف‌سکی و اتو، از کمال‌گرایان و غیرکمال‌گرایان خواسته شد که همکاران بالقوه خود را از نظر مطلوبیت رتبه‌بندی کنند و تجربیات خود را از کنارآمدن با دیگران در محل کار شرح دهند. در این مطالعه کمال‌گراها اکثراً به‌عنوان همکاران به‌شدت توانا توصیف شدند، اما معلوم شد که کنارآمدن با آن‌ها دشوار است. در طرف دیگر، افراد غیرکمال‌گرا به‌عنوان افراد دارای مهارت‌های اجتماعی خوب توصیف شدند؛ افرادی که آدم‌ها خیلی می‌خواهند

همکار کمال‌گرای شما ممکن است خودش را به‌ویژه هنگامی که صحبت از کنارآمدن با دیگران است، آماده‌ی شکست کند. پژوهش نشان می‌دهد که کمال‌گرایان با انداختن تمام زورشان روی یک کار، ممکن است سهوا در طول مسیر از دیگران غافل شوند یا ارزش حفظ روابط مثبت با همکاران‌شان را از دست دهند. در همین حال، افرادی که کمال‌گراها را مدیریت می‌کنند، باید آن‌ها را تشویق کنند که کم‌تر روی کارشان و کمی بیشتر روی آسایش‌شان سرمایه‌گذاری کنند.

ناتاشا فروست، بی‌بی‌سی  
مترجم: جلیل پژواک

شما هم ممکن است با شنیدن واژه «کمال‌گرا» فوراً یاد کسی بیفتید؛ رییس، همکار یا حتی یک دوست کاری‌تان که استانداردهایش تقریباً هیچ ربطی به واقعیت ندارد. آن‌ها از خودشان، یا دیگران، توقع انجام غیرممکن‌ها را دارند. آن‌ها ساعت‌ها و روزها می‌نشینند و کارهایی را انجام می‌دهند که برای کسی جز خودشان مرئی نیست و پایان هفته هم خسته و کوفته از آن کار خود دست می‌کشند.

این دست افراد اغلب حتی این خصلت را تبلیغ می‌کنند و با شادی جار می‌زنند: «من کمی کمال‌گرا هستم!» در واقع این یک نوع لاف است و در محیط کاری برای مثال، راهی برای تمایز دادن خودشان از دیگران به‌عنوان یک کارمند ستاره. آخر کسی است که نخواهد کارمندی استخدام کند که برای رسیدن به کمال تلاش می‌کند؟

پاسخ این پرسش ممکن است یک «نه» قاطع نباشد. پژوهش‌ها به‌طور فزاینده نشان می‌دهد که کمال‌گرایی یک ویژگی حرفه‌ای نیست که لزوماً بخواهید آن‌را تبلیغ کنید. این خصلت در واقع می‌تواند بر محیط کار شما تأثیر منفی بگذارد؛ همکاران‌تان را از شما دور و کنارآمدن تیم‌های کاری با یکدیگر را دشوار کند. پژوهش‌های تازه‌ی روان‌شناسان امیلی کشف‌سکی و کتلین اتو، از دانشگاه فیلیپس ماربورگ در آلمان، نشان می‌دهد که کمال‌گرایان ممکن است هرگز یک همکار ایده‌آل یا حتی فرد قابل‌ترجیح برای کارکردن با شما نباشند. کشف‌سکی می‌گوید: «اگر همکاران بتوانند بین کار با یک کمال‌گرا یا یک غیرکمال‌گرا انتخاب کنند، آن‌ها همیشه فردی غیرکمال‌گرا را ترجیح می‌دهند. فردی که انتظارات واقع‌بینانه از خودش و همچنین هم‌تیمی‌هایش دارد.»

کشف‌سکی می‌گوید هرچند کمال‌گرایی می‌تواند به هر جنبه از زندگی یک شخص سرایت کند، اما بیشتر در زمینه‌های کاری خودش را نشان می‌دهد. او می‌گوید: «اگر از آدم‌ها بپرسید که در چه حوزه‌ای کمال‌گرا هستند، بیشترین پاسخ همیشه محل کار است.» پژوهش‌ها بیشتر بر روی خروجی واقعی افراد کمال‌گرا تمرکز دارند، نه تأثیری که این خصلت‌شان ممکن است بر جو تیمی یا روابط بین فردی داشته



فاطمه فرامرز

گزارشگر

از آغاز بحران، جنگ داخلی و فروپاشی دولت سومالی حدود سه دهه می‌گذرد و طولانی‌ترین نمونه‌ی فروپاشی کامل دولت در دوران پس‌استعمار سومالی را تشکیل می‌دهد. بیش از ده نشست مصالحه ملی برای حل بحران توسط میانجی‌های خارجی تشکیل شده است، اما هیچ کدام تا به امروز موفق نشده‌اند.

بحران سومالی در سال ۱۹۸۸ زمانی آغاز شد که یک گروه شورشی مسلح به نام جنبش ملی سومالی حمله‌ای را علیه نیروهای دولتی در شمال این کشور آغاز کرد و باعث آوارگی و تلفات گسترده شد. جامعه بین‌المللی به رهبری ایالات متحده با قطع کمک‌های خارجی به رژیم صیاد باره، پاسخ داد و بحران سومالی بدتر شد. تحولات چشم‌گیر سیاسی دیگر (سقوط دیوار برلین و پایان جنگ سرد) سبب شد که برای رسیدگی به وخیم‌تر شدن بحران سومالی از ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۱ هیچ تلاشی برای میانجی‌گری انجام نشود.

در جنوری ۱۹۹۱ دولت سقوط کرد. جنوب سومالی درگیر بی‌قانونی خشن و مسلحانه شد. غارت مکرر روستاها و جنایت کنترل نشده توسط باندهای مسلح و شبه نظامیان باعث جابه‌جایی گسترده و جریان پناهنجویان شده و در نهایت قحطی فاجعه باری به وجود آورد که در نتیجه‌ی آن ۲۵۰ هزار نفر جان خود را از دست دادند.

در طول این دو سال جنگ داخلی، تلاش‌های خارجی برای میانجی‌گری برای یک توافق سیاسی بسیار ناچیز بود. جیبوتی میزبان یک کنفرانس صلح در جولای ۱۹۹۱ بود اما نبود نمایندگی همه‌شمول و ناتوانی در کنترل شبه نظامیان، توافقی که حاصل شد، قابل تطبیق نبود. این روند ناقص باعث انتخاب رئیس‌جمهور موقت علی مهدی شد که توسط ژنرال محمد فرح آیدید، رقیب داخلی کنگره متحد سومالی رد شد. اختلاف بین این دو شخصیت، که هر یک از طوایف مختلف پشتیبانی می‌کردند، منجر به جنگی بسیار ویرانگر در موگادیشو در نوامبر ۱۹۹۱ شد در طول سال ۱۹۹۱ هیچ اقدام دیپلماتیک سازمان ملل در مورد سومالی اتخاذ نشد و کشورهای غربی تا حد زیادی بحران را نادیده گرفتند که اکنون آنرا فرصتی از دست رفته برای حل منازعات می‌دانند.

در اوایل سال ۱۹۹۲ با شدت گرفتن گزارش رسانه‌ها از جنگ و قحطی سومالی، شورای امنیت سازمان ملل متحد تحریم تسلیحاتی را علیه سومالی وضع کرد و یک عملیات بسیار کوچک سازمان ملل در سومالی اجازه یافت تا به دنبال راه حلی دیپلماتیک برای حل بحران باشد. نماینده ویژه محمد صحنون سعی در میانجی‌گری برای پایان دادن درگیری داشت اما پس از انتقاد از سازمان ملل به دلیل کندی و بوروکراتیک بودن، با دبیرکل جایگزین شد. در دسامبر ۱۹۹۲ یک مداخله بشردوستانه بی‌سابقه به رهبری آمریکا ۳۰ هزار نیروی حافظ صلح را در جنوب سومالی مستقر و

جنگ و قحطی را متوقف کرد. دیپلمات‌های سازمان ملل متحد در مارچ ۱۹۹۳ «توافق‌نامه آدیس آبابا» پانزده جناح که هر یک نماینده یک قبیله بودند، را به یک روند آشتی ملی و رویه‌ای برای ایجاد یک دولت انتقالی متعهد کردند. اختلافات در مورد تفسیر این توافق‌نامه به تنش‌های که منجر به حمله مسلحانه به نیروهای سازمان ملل شد، دامن زد.

در سال ۱۹۹۴ دیپلمات‌های سازمان ملل متحد تلاش کردند تا توافق‌نامه جدیدی برای تقسیم قدرت ایجاد کنند که رهبران شبه نظامیان سومالی را در یک دولت ائتلافی گرد هم آورد، اما این تلاش نیز ناکام ماند. ماموریت سازمان ملل در مارچ ۱۹۹۵ از سومالی خارج شد زیرا در دستیابی به مصالحه و احیای کشور فروپاشیده سومالی موفق نبود.

در سال ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ دو تلاش مشابه میانجی‌گری برای ایجاد دولت موقت سومالی آغاز شد. اول گفت‌وگوهای «سودره» توسط اتیوپی تشکیل شد اما به نتیجه نرسید. مصر، رقیب منطقه‌ای اتیوپی سپس مذاکراتی را در قاهره تشکیل داد که همچنین نتوانست رهبران جناح‌ها را به توافق برساند.

در سال ۱۹۹۸ اتیوپی پیش‌گام «رویگرد بلوک‌های سازنده» برای احیای دولت در سومالی بود که در آن دولت‌های منطقه‌ای موجود در سومالی مانند پونت‌لند به یک کشور غیرمتمرکز تبدیل می‌شدند. قبایلی که پایتخت را کنترل می‌کردند، معتقد بودند که نظام فدرالی به منافع آنها آسیب می‌رساند، زیرا در برابر این رویکرد مقاومت کردند.

در سال ۲۰۰۰ جیبوتی میزبان و تسهیل‌گر «روند صلح آرتا» شد. مصر و سازمان ملل مشتاق مذاکرات بودند، اما فقط میانجی‌گری متوسطی را ارائه دادند. آرتا توافق‌نامه تقسیم قدرت و اعلامیه دولت ملی انتقالی را در اگست ۲۰۰۰ تهیه کرد. روند آرتا از این جهت که رهبران جناح‌ها و شبه نظامیان را نه، نمایندگان بزرگان قبایل و رهبران جامعه مدنی را گرد آورده بود، ابتکاری بود. روند آرتا همچنین فرمول ۴.۵، سیستمی از نمایندگی ثابت طایفه‌ها در مذاکرات و دولت‌های انتقالی را در سیاست سومالی تثبیت کرد. این فرمول تعداد مساوی صندلی‌ها را به هر چهار گروه قومی بزرگ اختصاص داد و نیمی از این تعداد را برای «گروه‌های اقلیت» سومالی. با این حال این فرمول تعارضات مربوط به نمایندگی را حل نکرد.

در سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۴ سازمان منطقه‌ای «مرجع بین‌دولتی توسعه» از یک روند صلح دو ساله که توسط دیپلمات‌های کنیا با حمایت سازمان ملل و اتحادیه اروپا برگزار شد، حمایت مالی کرد. این گفت‌وگوها برای ایجاد یک دولت انتقالی جدید بود. روند صلح کنیا بر اساس فرمول ۴.۵ (نمایندگی ثابت توسط طایفه‌ها، بزرگان با ترکیبی از رهبران سیاسی و نظامی، بزرگان سنتی و رهبران جامعه مدنی) بود.

سه مرحله از مذاکرات - اعلامیه آتش بس، سازش در مسائل مربوط به درگیری و تقسیم قدرت - پیش بینی شده بود. گفت‌وگوها با نقض آتش بس قطع شد تا این‌که لطف

## درس‌های صلح ناموفق سومالی برای افغانستان

### چرا میانجی‌گری در روند صلح سومالی پس از سه دهه همچنان ناکام است؟



سرهنگ دوم ایمان ایلمان، مسئول برنامه‌ریزی ارتش ملی سومالی، نظارت بر سربازان قبل از استقرار آن‌ها در عملیات ضدشباب/ عکس از نیویارک تایمز

از چوکات دولت‌اند، بازنده‌اند و می‌ترسند که رقبای آن‌ها از دستگاه‌های دولتی به‌عنوان ابزاری برای سلطه کنند. این نگرش ارتباط مستقیم با تجربه منفی تاریخی سومالی از دولت‌سازی دارد و اغلب منبع عمده سو تفاهم برای میانجی‌ها نیز می‌شود.

این چرخش برای کسانی که با شور و شوق صلح جمعی، امنیت اساسی و سیستم‌های غیررسمی حاکمیت قانون را ترویج می‌کنند، الگوی رفتاری گیج‌کننده و غیرمعمول را تشریح می‌کند. یافتن راه‌هایی برای کاهش تهدیدی که دولت مرکزی احیا شده برای برخی حوزه‌های انتخابیه ایجاد می‌کند - به عنوان مثال، ارائه تضمین‌های امنیتی برای گروه‌های که دولت را به‌عنوان یک تهدید بالقوه می‌دانند - یک وظیفه اساسی در سومالی است. به لحاظ نظری، یک منشور انتقالی موقت یا قانون اساسی، به وضوح اختیارات دولت را محدود می‌کند و این نگرانی تا حد زیادی رفع می‌شود اما شخصیت‌های سیاسی سومالی به گونه‌ی مداوم نسبت به قانون اساسی بی‌اعتنایی کرده‌اند.

**۲. معضل دولت انتقالی؛ حل اختلاف در مقابل تقسیم قدرت**

از سال ۱۹۹۱ به بعد بیشتر از دوازده نشست آشتی ملی در سومالی تشکیل شده است، همه توافق‌نامه تقسیم قدرت برای ایجاد

سالاران یا دولت انتقالی فدرال مخالفت کردند و مانع استقرار آن در پایتخت شدند.

**آموزه‌های میانجی‌گری از روند صلح سومالی**

به‌رغم اختلاف نظر در مورد تلاش‌های میانجی‌گری در سومالی، کن منخاوس، دانشمند علوم سیاسی و استاد کالج دیویدسون در کارولینای شمالی، که پرونده‌ی سومالی را بررسی کرده، می‌گوید که بعد از فروپاشی کامل کشور، میانجی‌گری مشکلات منحصر به فردی را برای مذاکره ایجاد می‌کند، زیرا نبود دولت چارچوب سیاسی-قانونی را حذف می‌کند که میانجی‌ها به کار با آن عادت کرده‌اند. با باور وی تمایل به نمایندگی بدین معناست که تلاش‌های آشتی باید با چالش‌های دلپره آور احیای ساختارهای فروریخته دولتی هم‌زمان شود. این استاد کالج دیویدسون موارد ذیل را به عنوان آن‌چه می‌توان از میانجی‌گری در سومالی آموخت، فهرست کرده است:

**۱. صلح‌سازی در مقابل دولت‌سازی**  
تجربه سومالی بارها نشان داده است درحالی‌که مصالحه اغلب توسط جوامع بازی برد-برد تلقی می‌شود، احیای یک دولت مرکزی بیشتر به‌عنوان یک بازی برد-باخت تلقی می‌شود. در این بازی، برنده‌کسانی‌اند که دولت را در اختیار دارند و کسانی‌که بیرون

این بحث در چندین سطح اتفاق افتاده است که کدام یک از انواع رهبری در رهبریات دارای امتیاز باشند: رهبران شبه‌نظامی و سیاسی، بزرگان قبایل، رهبران جامعه مدنی یا ترکیبی از همه؟ این انتخاب در مرحله اولیه گفت‌وگوها اجتناب‌ناپذیر است. پس از آن می‌توان برای انتخاب نمایندگان توافق کرد.

فشارهای پایدار خارجی، در اکتبر ۲۰۰۴ پیش‌رفتی حاصل شد. منشور انتقالی توسط نمایندگان تصویب شد، پارلمانی تشکیل شد و دولت فدرال انتقالی توسط پارلمان انتخاب شد و عبداللهی یوسف، رییس دولت انتقالی فدرال شد. وی نخست وزیری را منصوب کرد و یک کابینه ۸۲ نفره را تشکیل داد. اما به عنوان یک دولت وحدت ملی، دوره خدمتش مانند دولت ملی انتقالی بسیار کوتاه بود، چون قدرت در یک ائتلاف تیره‌ای باریک متمرکز شده بود.

ائتلاف مستقر در موگادیشو، شامل طوایف مسلط بر پایتخت، اسلام‌گرایان، رهبران منقرض شده دولت انتقالی فدرال و جنگ

حلی برای کم‌شدن جمعیت مارها بگردند. یکی از این راه‌حل‌ها که اتفاقاً با استقبال روبه‌رو شد این بود که برای مرده یا زنده‌ی مار کبیرا جایزه تعیین شود. در ابتدای این طور به‌نظر می‌رسید که تعداد زیاد مارهایی که برای گرفتن جایزه به حکومت تسلیم می‌شوند، کاهش چشم‌گیر جمعیت مارهای کبیرا در شهرها را به دنبال خواهد داشت. اما بی‌خبر از این‌که بعد از چند سال تعداد مارها نه‌تنها کم نشد بلکه افزایش نیز پیدا کرد. کارشناسان بعد از تحقیقات پی بردند که برخی از مردم برای دریافت جایزه در حال پرورش مار هستند. در دنیای اقتصاد موارد مشابه زیادی در این زمینه می‌توان یافت، ولی در ادامه چند مورد

## اثر مار کبیرا؛ از طالبان تسلیمی تا بخشیدگی مالیاتی

علی موسوی، استاد دانشگاه

را به دست‌رخوانی جهت تأمین مالی‌شان تبدیل کردند.

حالا در مناطقی که نامی از طالبان برده نمی‌شد، عده‌ای با تفنگ‌های برنو قدیمی و سلاح‌های سرد نیز به کوه بالا شدند که ما طالب‌ایم. این افراد با اولین پیام دوباره به دولت می‌پیوستند و در قبال تفنگ‌هایی که دیگر شلیک نمی‌کنند، چنین‌هایی بر شانه‌های‌شان انداخته می‌شد و ماهانه مبلغی را هم دریافت می‌کردند. این فرایند آن‌قدر تکرار شد که فساد در سیستم‌های دولتی نیز به آن پیوست و هر روز طالبان جدیدی همچون سمارق از زمین بدر می‌آمدند و با گرفتن پول دوباره ناپدید می‌شدند.

را که در افغانستان اتفاق افتاده است مرور خواهیم کرد.

**طالبان تسلیمی**

مشخص‌ترین نمونه اثر مار کبیرا در ده سال اخیر افغانستان را می‌توان در تسلیم‌شدن طالبان مشاهده کرد. بر مبنای پروژه‌ای که توسط دولت افغانستان و حمایت کشورهای خارجی طرح شد، هر کدام از طالبان که به نیروهای دولتی تسلیم می‌شدند، مبلغی به‌عنوان کمک جهت ایجاد شغل و گذران زندگی داده می‌شد. مانند داستان مار و هند استعماری در ابتدا شاید این پروژه باعث جلب عده‌ای از طالبان شد، اما خیلی زود افرادی از روی بیکاری و شاید هم سودجویی این طرح



واقع عواقب ناخواسته‌ای که بر اثر راه حل پیشنهادی ایجاد می‌شود از خود مشکل بیشتر و بزرگ‌تر است.

در زمان استعمار انگلیس بر هند، شمار زیاد مارهای کبیرا و حمله‌ی گاه‌به‌گاه آنان به مردم، باعث شد حکومت به دنبال راه

اقتصاد پر است از تئوری‌هایی که از واقعیت‌های جامعه طرح شده‌اند. اثر کبیرا (Cobra Effect) یکی از این تئوری‌هاست؛ براساس این نظریه هرگاه راه حلی برای یک بحران پیشنهاد شود و این راه حل مشکل را بدتر کند به آن اثر کبیرا گفته می‌شود. در



## دور باطل مبارزه با آلودگی هوا

حتا اگر تمامی ۴۰۰ بلندمنزل فلتر نصب کنند، آلودگی کاهش نمی‌یابد



نمایی از شهر کابل در ساعات اولیه صبح زمستان امسال - عکس از حکیم مظاهر

مسئولیتی که از آدرس این کمیته به پولیس سپرده می‌شود، پولیس به گونه‌ی جدی آن را دنبال می‌کند. تا کنون هم‌چون مورد نداریم.» رییس صحت محیطی و محیط زیست شهرداری کابل می‌گوید این ریاست علاوه بر بررسی و نظارت از حدود ۶۰۰ بلندمنزل و شهرک، حدود ۹۰۰۰ منبع آلوده‌کننده‌ی دیگر را نیز نظارت و ارزیابی می‌کند. به گفته‌ی آقای غلامی آلودگی که این منابع تولید می‌کنند نظر به آلودگی ناشی از مواد سوخت ناچیز است: «مجموع آلودگی بلندمنزل‌ها و حدود ۹۰۰۰ آلوده‌کننده‌ی دیگر ۱۵ تا ۲۰ درصد بیشتر نیست. شهرداری کابل، وزارت داخله و اداره‌ی ملی حفاظت از محیط زیست تنها قادر به کنترل همین منابع آلوده‌کننده است. برای ۸۵ درصد دیگر هیچ برنامه‌ای نیست.»

براساس ارزیابی اداره ملی حفاظت از محیط زیست حدود ۵۰ درصد آلودگی هوا در پایتخت از سوخت زغال سنگ در خانه‌های مسکونی و حدود ۳۵ درصد آن از گشت‌وگذار موتورها در سطح شهر ناشی می‌شود. انجنیر نیک‌محمد، رییس تفتیش و نظارت در اداره ملی حفاظت از محیط زیست به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که در این صورت اداره ملی حفاظت از محیط زیست و گروه‌های توظیف‌شده اگر موفق شوند بر تمامی ساختمان‌های ره‌ایشی، شهرک‌ها، حمام‌ها، حوض‌ها دستگاه تصفیه دود نصب و سایر فعالیت‌های را که باعث آلودگی می‌شود هم مهار کنند، تأثیر زیادی بر کاهش آلودگی هوای پایتخت ندارد، زیرا آلودگی که این منابع تولید می‌کند نسبت به آلودگی که خانه‌های مسکونی تولید می‌کند، اندک است.

اداره ملی احصایه و معلومات افغانستان به‌تازگی نفوس کابل را حدود پنج میلیون نفر اعلام کرده است. حسن غلامی هم می‌گوید که در کابل حدود ۶۰۰ هزار خانواده از سر ناچاری در زمستان زغال سنگ بی کیفیت و تصفیه‌نشده می‌سوزانند زیرا از انرژی‌های پاک مثل برق مداوم و گاز ارزان محرومند. او اضافه می‌کند که در کنار ۶۰۰ هزار خانواده، حدود ۶۰۰ هزار واسطه‌ی نقلیه نیز در کابل در گشت‌وگذار است. به گفته‌ی در مجموع این دو منبع کلان آلوده‌کننده عامل ۸۵ درصد آلودگی هوای کابل است.

آگاهان محیط زیست نیز معتقدند که تعبیه دستگاه تصفیه‌کننده‌ی دود در مرکزگرمی‌ها، تأثیر چندانی بر کاهش آلودگی هوای پایتخت نخواهد داشت.

عبدالاحد ملکیار، کارشناس محیط زیست به این باور است که نصب فلتر در حدود ۶۰۰ بلندمنزل و شهرک هم تأثیر قابل توجهی روی کاهش آلودگی هوا نخواهد داشت، زیرا به گفته‌ی او دودی که از مرکزگرمی‌ها بیرون می‌شود در ارتفاع بالاتر قرار می‌گیرد و محیط را آنقدر آلوده نمی‌کند. به گفته‌ی او گشت‌وگذار حدود ۱۰۰ هزار موتور در روز و سوخت مواد ناپاک مثل ذغال سنگ تصفیه نشده، رابر و پلاستیک بزرگ‌ترین عامل آلوده‌کننده‌ی هوای پایتخت است. بر اساس اطلاعات آقای ملکیار، از شروع زمستان تا کنون حدود ۸۰۰ هزار تن ذغال سنگ به شهر کابل وارد شده است که احتمالا تا پایان زمستان مصرف می‌شود: «نصب فلتر در بلندمنزل‌ها راه حل نیست و تأثیر چندانی ندارد.»

با این وجود، آقای ملکیار می‌گوید که کابل امسال آلوده‌ترین زمستان را شاهد خواهد بود و شهروندان کابل نسبت به زمستان‌های قبل آسیب بیشتری می‌بینند: «در این روزها اگر شما روزانه سه کیلومتر پیاده بروید، نسبت به فصل‌های دیگر احساس خستگی بیشتر می‌کنید. حتی عرق می‌کنید، نه به این خاطر که لباس گرم پوشیده‌اید، نه، عرق می‌کنید بخاطر که نفس‌های عمیق می‌کشید. هر قدر که غلظت هوا و آلودگی بیشتر باشد به همان اندازه تنفس ما عمیق می‌شود.»

با این حال آقای ملکیار توزیع گاز ارزان، به حداقل رساندن قطعی برق، جلوگیری از ورد ذغال سنگ بی کیفیت و تیل بی کیفیت را راه حل مؤثر برای کاهش آلودگی هوای پایتخت می‌داند.

امرالله صالح در یادداشت جلسی شش‌ونیم دیروزش نوشت: «اگر فکر می‌کنید که امسال هیچ فرقی با سال گذشته ندارد پس ما ناکام هستیم. اگر فرق دارد پس کامیاب هستیم.»

### لطف‌علی سلطانی

#### گزارشگر

حدود یک‌ونیم ماه قبل امرالله صالح، معاون اول رییس‌جمهوری در کنار رسیدگی به وضعیت امنیتی شهر کابل، برنامه‌هایی برای کاهش مبارزه با آلودگی هوا در جریان زمستان نیز روی دست گرفت. او به اداره‌ی ملی حفاظت از محیط زیست هشدار داد، در صورتی که حدود ۶۰۰ بلندمنزل و شهرک در کابل که به گفته‌ی او عامل ۴۰ درصد آلودگی هوا در جریان زمستان است، دستگاه تصفیه دود نصب نکنند، رهبری رده‌های اول، دوم و سوم این اداره برکنار می‌شوند. حالا اما به نظر می‌رسد که برنامه‌ی آقای صالح چندان مؤثر واقع نشده است، زیرا این طرح اگر حتما صددرصد هم عملی شود، تأثیری چندانی بر کاهش آلودگی هوا ندارد.

با آن که آقای صالح، اداره ملی حفاظت از محیط زیست را مکلف به پی‌گیری نصب فلتر در بلندمنزل‌ها و شهرک‌ها کرده بود، اما حالا این مسئولیت به شهرداری کابل سپرده شده است.

بر اساس اطلاعات ریاست صحت محیطی و محیط زیست شهرداری کابل که مسئول بررسی و نظارت از طرح نصب فلتر در بلندمنزل‌ها است، تا کنون از میان ۵۸۸ بلندمنزلی که مرکزگرمی دارند، حدود ۳۰۰ بلندمنزل دستگاه تصفیه‌ی دود نصب کرده‌اند. حسن غلامی، رییس این ریاست، در صحبت با روزنامه اطلاعات روز گفت که از ۱۵ عقرب تا ۲۹ قوس در نتیجه‌ی پی‌گیری شهرداری، ۱۵۶ بلندمنزل دستگاه تصفیه دود نصب کرده‌اند. او افزود که ۱۴۹ بلندمنزل دیگر سال گذشته فلتر نصب کرده بودند. او همچنان گفت که مرکزگرمی‌های ۱۳۷ بلندمنزل و شهرک دیگر غیرفعال است و حدود ۱۴۰ بلندمنزل دیگر هنوز فلتر نصب نکرده‌اند.

به گفته‌ی آقای غلامی، در جریان کار از حدود دو ماه به این سو دستگاه‌های مرکزگرمی ۱۷۳ بلندمنزل مسدود شده که از این میان تا کنون ۱۰۸ بلندمنزل با نصب فلتر دوباره فعال شده است. آقای غلامی می‌گوید که تا کنون حدود ۶۰ درصد بلندمنزل‌ها فلتر نصب کرده‌اند. او ابراز امیدواری می‌کند که تا پایان ماه جدی این رقم به، ۹۰ درصد برسد.

آنطور که آقای غلامی می‌گوید نصب این تعداد فلتر هم کار ساده‌ای نبوده است، به گفته او در جریان بررسی و کار چندین کارمند اداره‌اش حتا لت‌وکوب شده‌اند: «مالکان ۱۱ بلندمنزل به هشدارهای شهرداری بی‌اعتنایی کرده و مهرلاک‌ها را بدون اجازه برداشته بودند. اجازه ندادند که تیم‌های ما بروند مرکزگرمی‌های‌شان را بررسی کنند. حتی کارمندان ما را لت‌وکوب کرده بودند.»

به گفته‌ی آقای غلامی در نزدیک به دو ماه گذشته شهرداری کابل مالکان حدود ۲۲۰ بلندمنزل را به دلیل تخلفات محیط زیستی به ریاست کشف عملیات‌های وزارت داخله معرفی کرده که تحت پیگرد قرار بگیرند: «وزارت داخله مالکان شماری از بلندمنزل‌ها را برای ۲۴ ساعت در نظارت‌خانه نگهداشته بودند تا آنان مجبور شدند فلتر نصب کردند.»

فرماندهی پولیس کابل اما می‌گوید که تا کنون کسی در ارتباط با تخطی‌های محیط زیستی بازداشت نشده است. فردوس فرامرزی، سخن‌گوی پولیس کابل به روزنامه اطلاعات روز گفت: «پولیس به عنوان همکار در کمیته محافظت از محیط زیست حضور دارد و هر

انتخاب نمایندگان توافق کرد. شازنده سال تجربه در میان‌گیری این پرسش‌ها را حل نکرده است اما برخی از درس‌های آموخته شده را به همراه داشته است. اول، ائتلاف‌های سیاسی به طور مداوم موفق شده‌اند در فرمول ۴.۵ ظاهر شوند. دوم، شواهد نشان می‌دهد که مقامات قبیله‌ای سنتی مذاکرات را با مشروعیت بیشتری دنبال می‌کنند، اما هیچ راه‌حلی ندارند. تجربه سومالی‌لند نشان می‌دهد که مقامات سنتی وقتی با روشن‌فکران جامعه مدنی مشارکت داشته باشند، بسیار مؤثر هستند.

### ۶. مدیریت تندروها

طیف گسترده‌ای از خراب‌کاران سومالی - جنگ سالاران، تاجرانی که از اقتصاد جنگ سود می‌برند، قبیله‌ای که از تخصیص صندلی‌های دولت جدید ناراضی هستند - هرگز توسط میانجی‌های خارجی به اندازه کافی مدیریت نشده‌اند. تجربه سومالی نشان می‌دهد که تندروها با بازی در روندهای صلح، امضای توافق‌نامه و پیوستن موقت به دولت‌های انتقالی، به خرابکاری تمایل دارند. تندروهای سومالی معمولاً ترجیح می‌دهند ابتکارات صلح‌سازی و دولت‌های وحدت ملی را نه با مخالفت صریح، بلکه با پیوستن و از بین بردن، تضعیف کنند.

### ۷. میانجی‌گری مستقر در خارج و با بودجه خارجی

این واقعیت که بیشتر نشست‌های اشتهای ملی سومالی در خارج از سومالی برگزار شده و بودجه آن‌ها خارجی‌ها تأمین می‌کنند، مورد انتقادات فزاینده‌ای قرار گرفته است. برخی از منتقدان استدلال می‌کنند که گفت‌وگوهای صلح آینده باید در داخل سومالی برگزار شود و هزینه آن‌ها توسط سومالی‌ها پرداخت شود تا به آن‌ها حداکثر مالکیت داده شود و مذاکره‌کنندگان نسبت به رای دهندگان خود پاسخگو باشند. گرچه مشکلات بی‌شماری با این گزینه وجود دارد، اما بدون تردید مبالغ هنگفتی که بازیگران بین‌المللی صرف مذاکرات صلح می‌کنند، ناخواسته باعث شده است که نمایندگان بیش از صلح به شمارش روزها علاقه‌مند شوند.

### ۸. جنگ‌های نیابتی و تندروهای خارجی

از اوایل تا اواسط دهه ۱۹۹۰ دشوار بود کسی ادعا کند که بازیگران خارجی در جلوگیری از صلح و احیای کشور در سومالی شریک‌اند. اتیوپی، همسایه سومالی نقش بسیار سازنده‌ای در کمک به تشکیل احزاب سومالی در دوره ۱۹۹۳-۱۹۹۵ داشته است. با این حال، تندروهای خارجی به یک مانع مهم دیگر برای صلح در سومالی تبدیل شده‌اند و این امر به میانجی‌های که طرف‌های واقعی درگیری در سومالی - به عنوان مثال، اتیوپی و دشمنان سومالی مستقر در موگادیشو - را معرفی می‌کنند و با آن‌ها همکاری می‌کند تا در مورد نوعی از همزیستی به توافق برسند، حق بیمه می‌دهد.

## تحلیل

رانت‌خوار تسریع می‌یابد.

یکی دیگر از جالب‌ترین تصمیم‌های اخیر دولت، طرح بخشش مالیاتی موتورها وارداتی است. در این طرح صاحبان موتورها بی‌اسنادی (موتورهای یک کلد) که تا تاریخ مشخصی به گمرک مراجعه کنند، می‌توانند از بخششی تا ۸۵ درصد تعرفه واردات استفاده کنند. این طرح برای دومین بار است که اجرا می‌شود و مسئولان امیدوارند تا تعداد زیادی از موتورهایی که بدون مجوز در سطح شهرها در رفت‌وآمدند، پلیت دریافت کنند.

اما یادمان نرود که همه این امیدواری‌ها با دانستن وضعیت بروکراسی و فساد در اداره‌های افغانستان از یک سو و اوضاع اجتماعی حاکم در این کشور از سوی دیگر به خیالی بیشتر شباهت خواهد داشت. در کنار دلایلی که گفته شد اثر کبریا را نیز به آن اضافه شده است و هر سال صاحبان موتورها منتظر خواهند ماند تا چه وقت دولت مالیات و جریمه آن‌ها را خواهد بخشید.

یک دولت مرکزی انتقالی را نسبت به حل منازعات فعلی، اولویت می‌دهند. برخی از نشست‌ها در بدترین حالت، به تمرین برش کیک تبدیل شده‌اند و دستور کار به تخصیص مناصب کابینه به طایفه‌ها و جناح‌ها کاهش می‌یابد. در این خصوص میانجی‌های خارجی تا حدودی مقصر بوده‌اند، زیرا همیشه وسوسه شده‌اند که به جای حل اختلافات ملموس، از احیای دولت مرکزی به عنوان معیار موفقیت استفاده کنند. تنها کنفرانس صلح که به طور سیستماتیک بحث‌های تقسیم قدرت را پیش‌شرط ترویج آشتی و حل موضوعات اصلی درگیری قرار داد، روند صلح ۲۰۰۳ کنیا بود. اما هنگامی که رقبای سیاسی سومالی علاقه‌ای به رسیدگی به موضوعاتی مانند اشغال سرزمین‌ها و غارت ملکیت‌ها نشان ندادند، نشست روند ۲۰۰۳ کنیا با ناامیدی روبرو شد.

### ۳. مالکیت سومالیایی

تاریخچه روند صلح سومالی از سال ۱۹۸۸ به‌وضوح نشان می‌دهد که روندهای صلح فاقد مالکیت سومالی به‌طور مداوم شکست می‌خورند. روندهای که مالکیت سومالی را به حداکثر می‌رسانند، از مشروعیت بیشتری برخوردار بوده و در برخی موارد مانند مذاکرات صلح بورمو در سومالی‌لند موفق بوده‌اند. مالکیت سومالی نباید به استفاده از آداب و رسوم یا مقامات سنتی خلاصه شود، اگرچه ممکن است این موارد به کار گرفته شوند.

### ۴. پشتیبانی یک پارچه خارجی از میانجی

یک مشکل فزاینده در سومالی، شناسایی یک میانجی مناسب و مؤثر بوده است. بسیاری از کشورهای که مشتاقانه نقش میانجی را بازی می‌کنند در داخل سومالی بی‌طرف دیده نمی‌شوند و یا سابقه‌ای در این کشور دارند که برخی از سومالیایی‌ها را به خود مشکوک می‌کند. سازمان ملل متحد نیز دارای یک تاریخچه بحث برانگیز و دشوار در این کشور است، و توانایی خود را برای انجام مذاکرات صلح از بین برده است. سازمان منطقه‌ای «مرجع بین‌دولتی توسعه» از نظر بسیاری از سومالیایی‌ها به دو قسمت شده و هر قسمت تحت سلطه اتیوپی و کنیا قرار دارند. هر کشور یا سازمانی که به‌عنوان میانجی فعالیت می‌کند، هنگامی شانس بیشتری برای جلب اعتماد همه احزاب سومالی را دارد که جامعه بین‌المللی تلاش مشترکی برای پشتیبانی یکپارچه از آن داشته باشد.

### ۵. شناسایی نمایندگان مشروع و معتبر

میانجی‌های روند صلح سومالی‌ها به‌طور مداوم درگیر اختلافات بوده‌اند. این بحث در چندین سطح اتفاق افتاده است که کدام یک از انواع رهبری در هر هیأت دارای امتیاز باشند: رهبران شبه‌نظامی و سیاسی، بزرگان قبایل، رهبران جامعه مدنی یا ترکیبی از همه؟ این انتخاب در مرحله اولیه گفت‌وگوها اجتناب‌ناپذیر است. پس از آن می‌توان برای

### بخشیدگی مالیاتی؛ از جریمه تا اصل مالیات

یکی دیگر از نمونه‌های اثر مار کبرا در اقتصاد افغانستان بخشیدگی مالیاتی است. در سال‌های اخیر هر بار به بهانه‌هایی جریمه دیرکرد و یا عدم پرداخت مالیات توسط وزارت مالیه مورد بخشش قرار می‌گیرند. شاید در سال‌های گذشته این کار باعث می‌شد تا شرکت‌هایی که جریمه‌های‌شان از اصل مالیات بیشتر شده بود، تشویق شوند و مالیات‌شان را بپردازند.

اما مطمئناً این‌گونه تصمیم‌ها عوارض ناخواسته‌ای هم دارد که متأسفانه در سیستم بی‌نظم مالی افغانستان، نخستین اثرش یعنی احساس بی‌عدالتی خیلی زود خود را نشان داد. در سال‌های بعد شاهد بودیم که بنگاه‌های اقتصادی با پرداخت نکردن مالیات‌شان، منتظر اعلام بخشودگی توسط وزارت مالیه‌اند. آن‌هایی که مالیات خود را به‌موقع پرداخت می‌کنند در سال‌های بعد احساس شکست‌خوردگی و بی‌عدالتی باعث خواهد شد کم‌کم به کاروان مالیه‌نپردازان بپیوندند. این روند با تصمیم‌های مانند بخشیدگی در اصل مالیات برخی شرکت‌های



## ایران گزارش دبیرکل سازمان ملل درباره نقض قطعنامه ۲۲۳۱ را رد کرد



اطلاعات روز: مجید تخت‌روانچی، نماینده ایران در سازمان ملل شنبه ۲۹ قوس در نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل و رییس دوره‌ای شورای امنیت، موضع تهران در قبال گزارش تازه دبیرکل سازمان درباره قطعنامه ۲۲۳۱ را بیان کرده است.

خبرگزاری‌های بین‌المللی ۱۸ قوس به نسخه‌ای از گزارش آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد، به شورای امنیت درباره قطعنامه ۲۲۳۱ دست یافتند که در آن از ایران خواسته بود به طور کامل به تعهدات خود در

چارچوب توافق هسته‌ای موسوم به برجام بازگردد. به نقل از رادیو فردا، شورای امنیت سازمان ملل قرار است در روز سه شنبه ۲۲ دسامبر برای بررسی گزارش آنتونیو گوترش نشست برگزار کند. دبیرکل سازمان ملل براساس قطعنامه ۲۲۳۱، موظف شده که هر شش ماه، گزارشی از چگونگی اجرای این قطعنامه به شورای امنیت ارائه کند. مجید تخت‌روانچی در نامه‌ای به آنتونیو گوترش و جری ماتجیلا نماینده آفریقای جنوبی و رییس دوره ای شورای امنیت با اشاره به این که آمریکا «ناقص فاحش

توافقنامه هسته‌ای است»، گفته است: «کاهش تعهدات هسته‌ای ایران» «نتیجه قهری نقض توافق توسط دیگر طرف‌ها و مطابق با حقوق ایران در برجام» است.

ایران و شش قدرت جهانی شامل آمریکا، روسیه، چین، فرانسه و بریتانیا همراه با آلمان در ۱۳۹۴ به توافقی جامع برای حل و فصل ابهامات برنامه هسته‌ای ایران دست یافتند که براساس آن ایران برخی از فعالیت‌های هسته‌ایش را محدود کرد و در مقابل تحریم‌های هسته‌ای علیه تهران تعلیق شد. چند ماه بعد شورای امنیت با تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ برجام را تایید کرد.

اما دولت دونالد ترامپ در ۱۸ ثور ۱۳۹۷ از توافق هسته‌ای شش قدرت جهانی با ایران خارج شد و تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران را برگرداند.

یک‌سال پس از خروج آمریکا از برجام، ایران اعلام کرد که پنج گام برای عدول از تعهدات هسته‌ای خود برداشته است تا به عدم جدیت اروپا در مراقبت از برجام و عدم کارایی ساز و کار مالی تجارت با ایران، موسوم به «اینس‌تکس»، اعتراض کند.

مجید تخت‌روانچی در ادامه با اشاره «به وعده کشورهای اروپایی برای تضمین تداوم روابط اقتصادی پیش‌بینی شده در برجام با ایران و ایجاد سامانه اینس‌تکس»، گفته است، این سامانه پس از ۲ سال باید کارایی خود را به

اثبات برساند.

### اعتراض به نحوه طرح ترور فخری زاده در گزارش

مجید تخت‌روانچی همچنین در این نامه به موضوع ترور محسن فخری‌زاده، دانشمند ارشد هسته‌ای و نظامی ایران، در گزارش آنتونیو گوترش اشاره کرده است.

به گزارش ایرنا، نماینده ایران در نامه خود به نحوه طرح ترور محسن فخری زاده در گزارش دبیرکل را «به هیچ عنوان کافی ندانست».

محسن فخری‌زاده روز هفتم قوس در آسپرد دماوند هدف سوء قصد قرار گرفت و کشته شد.

مجید تخت‌روانچی در نامه خود خواستار آن شده است که آنتونیو گوترش کشته شدن محسن فخری زاده و قاسم سلیمانی را «به صورت صریح و بدون لکننت زبان محکوم» کند.

قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران و ابومهدی المهندس، معاون نیروی حشدالشعبی عراق، در ۱۳ جدی ۱۳۹۸ در جاده فرودگاه بغداد توسط پهپادهای امریکایی کشته شدند.

مجید تخت‌روانچی پیشتر از آنتونیو گوترش و شورای امنیت خواسته بود که ترور محسن فخری‌زاده را محکوم کنند و اقدامات لازم را در این زمینه انجام دهند.

## دستکم ۲۰۰ مرکز دولتی و تجاری در سراسر جهان با حملات گسترده سایبری مواجه شدند



آلن لیسکا، تحلیلگر امنیت شبکه، می‌گوید که بر اساس داده‌های یک شرکت امنیت سایبری مستقر در ماساچوست، ۱۹۸ مورد را که با استفاده از درج پستی نرم افزار مدیریت شبکه «اوربون سولار ویند» هک شده‌اند شناسایی شده است.

سه منبع دیگر هم گفتند که تاکنون مشخص شده است که هکرها حداقل ۲۰۰ سازمان، را مورد حمله قرار داده‌اند که تعداد نهایی آن‌ها می‌تواند افزایش یابد. این در حالی است که نه شرکت مستقر در ماساچوست و نه منابعی که با تحقیقات آشنا بودند، هویت مرکزی را که با این حمله روبه‌رو بودند، فاش نکرده‌اند. همچنین انگیزه هکرها ناشناخته است و مشخص نیست که آنها چه چیزی را بررسی کرده یا از شبکه‌های هک شده که در آن نفوذ کرده بودند چه چیزی را به سرقت برده‌اند. سخنگوی «سولار ویند» اعلام کرد که این شرکت «همچنان با مشتریان و کارشناسان برای به اشتراک گذاشتن اطلاعات و کار برای درک بهتر این موضوع همکاری می‌کند.» او گفت: «هنوز زود است که درباره تحقیقات چیزی گفته شود.»

با این حال، از همان ابتدا گفته شد که احتمالاً این هکرها وابسته به دولت روسیه بوده‌اند و مایکل پمپو، وزیر خارجه آمریکا نیز روز جمعه در گفت‌وگویی این

اطلاعات روز: خبرگزاری بلومبرگ گزارش داد که حداقل ۲۰۰ سازمان، از جمله نهادهای دولتی و شرکت‌های تجاری در سراسر جهان، با حمله سایبری گسترده‌ای رو به‌رو شده‌اند که احتمال دارد روسیه مسئول آن باشد.

به نقل از ایران اینترنشنال، یک شرکت امنیت سایبری و سه منبع مطلع که با تحقیقات اولیه مربوط به این حملات آشنا هستند، به بلومبرگ گفته‌اند که احتمالاً ۲۰۰ سازمان، در جریان حمله سایبری اخیر که احتمالاً روسیه در آن دست داشته است، با نصب یک کد مخرب در یک برنامه نرم‌افزاری، هک شده‌اند.

هنوز تعداد واقعی مرکزی که با حمله سایبری گسترده روبه‌رو شدند، مشخص نیست. حملاتی که از یک باگ موسوم به درج پستی یا بک‌دور در نرم افزار مدیریت شبکه «اوربون سولار ویند» به عنوان بستری برای حملات استفاده کرده است.

«اوربون سولار ویند» یک نرم‌افزار مدیریت و بررسی و نظارت بر شبکه (مونیتورینگ) است که سازمانهای دولتی و تجاری از آن استفاده می‌کنند.

بر اساس گزارش بلومبرگ، حدود ۱۸ هزار کاربر «سولار ویند» یک به‌روزرسانی مخرب دریافت کردند که موجب ایجاد یک درج پستی می‌شد. البته تعداد کاربرانی که از این طریق هک شده‌اند بسیار کمتر بوده است.

و فکر می‌کنم که اکنون می‌توانیم کاملاً واضح بگوییم که این روس‌ها بودند که این کار را کردند.»

با این‌همه روز شنبه، دونالد ترامپ، رییس‌جمهور آمریکا، در توییتهای حملات سایبری را جدی ندانست و در عین حال احتمال داد که چین مسئول این اتفاق باشد. او گفت حملات سایبری در رسانه‌های دروغ‌پرداز خیلی بزرگتر از آن چیزی است که در واقعیت اتفاق افتاده است.

موضوع را تایید کرد.

پمپو گفت: «تلاش زیادی برای استفاده از بخشی از نرم‌افزارهای واسط برای جاسازی کد مخرب در داخل سیستم‌های دولت آمریکا صورت گرفت، و اکنون به نظر می‌رسد سیستم‌هایی از شرکت‌های خصوصی و شرکت‌ها و دولت‌ها در سراسر جهان نیز مورد حمله بوده است.»

پمپو اضافه کرد: «این یک تلاش بسیار چشمگیری بود

### گونه جدید کرونا؛

## سازمان بهداشت جهانی: با بریتانیا در «تماس نزدیک» هستیم

قابل توجهی وجود دارد، اما بوریس جانسون نخست‌وزیر بریتانیا گفت که شدت سرایت این گونه ممکن است تا ۷۰ درصد بیشتر از نسخه قدیمی باشد.

اما مقامات می‌گویند دلایل و شواهد محکمی در دست نیست که نشان دهد گونه جدید ویروس کرونا به افزایش مرگ و میر می‌انجامد یا واکنش‌های فعلی بر آن کارگر نیست.

پروفیسور کریس ویتی، بالاترین مقام مسئول دولتی بهداشت و درمان در انگلستان می‌گوید «من فکر می‌کنم این موضوع وضعیت را به مراتب بدتر خواهد کرد اما خوش‌بینی‌هایی هم هست، مخصوصاً اگر واکنس مورد استفاده قرار گیرد، البته با این فرض که بر این ویروس کارساز باشد که در حال حاضر چنین به نظر می‌رسد.»

شش روز پیش مت هنکوک وزیر بهداشت بریتانیا به نمایندگان پارلمان این کشور گفت گونه جدیدی از ویروس کرونا شناسایی شده که ممکن است سرعت شیوع بیشتری داشته باشد.

دولت هلند گفت تا زمانی که وضعیت در بریتانیا وضوح بیشتری پیدا کند باید خطر ورود ویروس به هلند به حداقل ممکن برسد.

هلند همچنین اعلام کرد که با کشورهای دیگر عضو اتحادیه اروپا همکاری خواهد کرد تا با اعمال برخی محدودیت‌ها، خطر ابتلا به ویروس جدید کرونا را کاهش دهد.

### درباره ویروس جدید چه می‌دانیم؟

سازمان بهداشت جهانی در توییتهای خود اعلام کرد با مقام‌های بریتانیا در مورد گونه جدید بیماری در تماس است.

بنابراین گزارش، بریتانیا اطلاعات مربوط به تحقیقات جاری درباره گونه جدید کرونا را به طور مداوم با سازمان بهداشت جهانی به اشتراک می‌گذارد و این سازمان هم اخبار مرتبط را به دولت‌های عضو اطلاع می‌دهد.

اگرچه هنوز درباره گونه جدید ویروس کرونا «عدم قطعیت

این گونه تازه از ویروس کرونا، پروازهای ورودی را از بریتانیا ممنوع کرده است.

گونه جدید با «سرعت بیشتری» نسبت به گونه اصلی شیوع می‌یابد اما گمان نمی‌رود کشنده‌تر باشد.

به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، در بخش بزرگی از جنوب شرقی انگلستان از جمله لندن، برای جلوگیری از شیوع سریع ویروس، محدودیت‌های شدیدتری وضع شده است. دلایل و شواهد محکمی در دست نیست که نشان دهد گونه جدید ویروس کرونا، بیماری شدیدتری ایجاد می‌کند یا واکنس‌های فعلی بر آن بی‌اثر است.

همزمان و با نگرانیهای بیشتر در خصوص این گونه تازه ویروس کرونا، دولت هلند از روز یکشنبه پرواز مسافران را از بریتانیا را ممنوع کرد. دولت هلند گفت این ممنوعیت تا اول ژانویه برقرار است.

این اقدام پس از آن انجام شد که هلند اوایل ماه جاری میلادی از یک بیمار نمونه‌برداری کرد که به گونه جدید کشف شده در «انگلستان» آلوده است.



اطلاعات روز: سازمان بهداشت جهانی می‌گوید درباره پیدایش و بروز گونه تازه‌ای از ویروس کرونا با مقام‌های دولت بریتانیا در «ارتباط نزدیک» است. همزمان هلند اعلام کرده که با افزایش نگرانی در خصوص خطر شیوع

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com

سردبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶

سردبیر آنلاین: الباس نواندیش

گزارش‌گران و خبرنگاران: ابودرملک نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عبدالواحد حیدری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس و واجد روحانی

مترجم: جلیل پژواک

ویراستار: شیرمهریار

صفحه آرا: رضا مظفری

ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲ mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

آدرس: کابل، کارته‌سه شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷ توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲



## خبرهای کوتاه

## اسکار مینگسا:

## بارسا ۱۰۰ درصد باید بازی بعدی را برود

مدافع بارسلونا پس از تساوی تلخ برابر والنسیا گفت که چاره ای جز شست وایادولید در بازی بعدی ندارند.

بارسلونا شنبه شب در نوکمپ برابر والنسیا با تساوی ۲-۲ متوقف شد. تساوی تلخی که روند بردهای بارسا را از بین برد. در این بازی مختار دیاکابی ابتدا والنسیا را پیش انداخت اما لیونل مسی و رونالد آراؤخو برای بارسا گلزنی کردند تا باشگاه کاتالان در مسیر یک پیروزی دیگر قرار بگیرد ولی ماکسی گومز با گل تساوی بخش خود اجازه نداد یاران مسی نوکمپ را با خوشحالی ترک کنند.

اسکار مینگسا مدافع جوان بارسلونا در پایان بازی گفت: «فکر می کنم خوب بازی کردیم. عملکرد و تلاش بازیکنان در زمین با و بدون توپ خوب بود. نیمه اول یک گل عقب افتادیم ولی خوشبختانه توانستیم زود گل مساوی را بزنیم. گل دوم والنسیا روی یکی دو اشتباه کوچک رقم خورد. اشتباهاتی که باید برطرف شوند.»

مینگسا که به تازگی توانسته در ترکیب ثابت بارسا قرار بگیرد ادامه داد: «افتخار می کنم برای بارسا بازی می کنم و سعیم در این است بهترین عملکرد را داشته باشم. می خواهیم از فرصتی که نصیب شده به خوبی استفاده کنیم. بازی بعدی برابر وایادولید است (۲ دی) و ۱۰۰ درصد باید پیروز شویم.»

## رسیدن رونالدو به رکورد ۵۹ ساله سری آ

کریستیانو رونالدو با زدن دو گل در بازی یوونتوس مقابل پارما به رکوردی تاریخی در سری آ رسید که ۵۹ سال بود در این لیگ تکرار نشده بود.

در شب پیروزی ۴-۰ یوونتوس مقابل پارما، کریستیانو رونالدو دو گل برای تیمش یوونتوس زد تا به رکوردی دست پیدا کند که ۵۹ سال بود در سری آ تکرار نشده بود. رونالدو با این دو گل به رکورد عمر سیووری رسید و در بیشترین تعداد گلزنی در یک سال میلادی در سری آ با او برابر شد. رکوردی که سیووری در سال ۱۹۶۱ ثبت کرده بود.

دو گل شنبه شب رونالدو باعث شد او حالا چهارمین بازیکن تاریخ سری آ باشد که در جریان یک سال تقویمی موفق شده دست کم ۳۳ گل به ثمر برساند. یووه با این پیروزی که دبل رونالدو نقش مهمی در آن داشت به امتیاز مساوی با اینتر رسید و اختلافش با آث میلان صدرنشین را یک امتیاز کرد هر چند یووه یک بازی بیشتر از این دو تیم دارد.

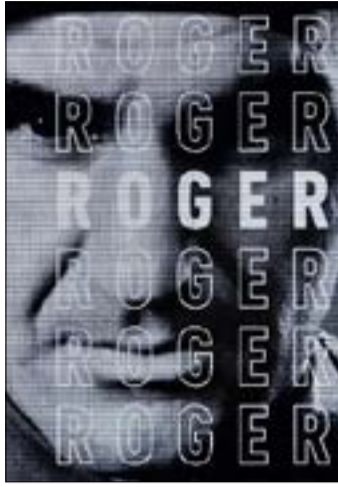
اما دبل رونالدو برای او با رکوردی تاریخی همراه شد و باعث شد او به رکورد عمر سیووری مهاجم تاریخی یوونتوس برسد. رکوردی که در سال ۱۹۶۱ ثبت شده بود. البته رونالدو و سیووری از نظر تعداد گل‌های زده در یک سال تقویمی با گونار نوردال با ۳۶ گل زده و فلیچه بورل با ۴۱ گل زده فاصله دارند ولی رونالدو با توجه به اینکه یوونتوس تا پیش از پایان سال میلادی ۲۰۲۰ یک بازی دیگر در سری آ انجام می دهد این فرصت را دارد تا عمر سیووری را هم پشت سر بگذارد.

میلادی به عنوان پردرآمدترین بوکسور حال حاضر جهان به چشم می خورد.

## فرمول یک

بالاترین سطح مسابقات اتومبیلرانی هم بسیار درآمدزاست؛ هرچند هم شرایط حضور در این رشته ورزشی بسیار دشوار است و هم خطراتی که ورزشکار در طول مسابقه با آن دست و پنجه نرم می کند با هیچ ورزش دیگری قابل مقایسه نیست. با این همه رانندگان فرمول یک معمولاً قراردادهای خوبی می بندند و ثروت زیادی هم دارند. از میشائیل شوماخر به عنوان اولین ورزشکاری که ثروتش از مرز یک میلیارد دلار گذشت یاد می شود. این اتفاق در سال ۲۰۰۵ رخ داد. شوماخر سال‌هاست به دلیل ضربه مغزی در اسکی، در کما و شرایط مجهول به سر می برد. پس از او لوییس همیلتون قرار دارد که میزان خالص ثروتش ۲۸۵ میلیون دلار تخمین زده می شود. همیلتون به تازگی به رکورد هفت قهرمانی شوماخر در فرمول یک دست پیدا کرد. فرناندو آلونسوی اسپانیایی هم نفر سوم ثروتمندترین رانندگان جهان است و ارزش دارایی اش ۲۸۵ میلیون دلار تخمین زده می شود.»

## پردرآمدترین ورزشکاران غیرفوتبالی دنیا



حقوق، در زمره پردرآمدترین ورزشکاران جهان به شمار می روند.

## تنیس

ورزش تنیس مخصوصاً در بالاترین سطحش درآمد سرشاری نصیب ستاره‌ها می کند. ارقامی که گاهی دستیابی به آن برای فوتبالیست‌های مشهور هم غیر ممکن است. به عنوان مثال آن طور که سایت «فوربس» گزارش داده، پردرآمدترین تنیسور مردان در سال ۲۰۱۹ روجر فدرر سوئیسی بود که برای چهاردهمین بار این عنوان را کسب می کرد. فدرر در سال گذشته میلادی تنها از محل جوایز شرکت در مسابقات مختلف ۹۳/۴ میلیون دلار درآمد داشته است. تخمین زده می شود اسپانسرهای او نیز هر سال حدود ۶۰ میلیون دلار سود به این ورزشکار مشهور می رسانند. برآوردها نشان می دهد سه تنیسور بزرگ معاصر یعنی روجر فدرر، نواک جوکوویچ و رافائل نادال در طول دوران فعالیت حرفه‌ای شان جمعاً ثروتی بیش از یک میلیارد دلار از محل تبلیغات به دست آورده‌اند. با همه اینها شاید بامزه باشد اگر بدانید نواک جوکوویچ چندی پیش از رقم پایین دستمزدها در تنیس شکایت کرده بود!

## بوکس

در فهرست ۱۰۰ نفره پردرآمدترین ورزشکاران جهان در سال ۲۰۱۹ که از سوی «فوربس» اعلام شد و صدرنشین آن هم لیونل مسی بود، نام ۶ بوکسور به چشم می خورد. حقیقت آن است که بوکس حرفه‌ای از جمله پول‌سازترین رشته‌های ورزشی است. در این فهرست نام سائول کاتلو آوارز، بوکسور ۳۰ ساله حرفه‌ای با کسب ۹۶ میلیون دلار در سال گذشته

## اتلتیکو گل هایش را ۲ برابر کرده است



داد و با چهار گل کادیس را مغلوب کرد. این گل‌ها موجب شدند اتلتیکو صدرنشین لالیگا باشد. تیم سیم‌نونه ۹ پیروزی و دو تساوی را کسب کرده و تنها یک بار مغلوب شده است.

کند. در دو بازی یک گل به ثمر رساند: برابر بارسلونا والنسیا. در دو دیدار دیگر دو بار یا بیشتر گلزنی کرد. در دو بازی جشنواره گل به راه انداخت و ۶ بر یک گراناادا را شکست

مساوی کرد و گل‌های چهاردهم فبروری را مارکوس یورنته و توماس به نام خود ثبت کردند. اما اکنون تیم یک آمار خوب در گلزنی دارد.

برترین گلزن اتلتیکو، لوییس سوارس است که هفت گل را وارد دروازه حریفان کرد. مهاجم اروگوئه‌ای در ۹ بازی چنین آماری را به ثبت رساند چون سه بازی را از دست داد. دیگو کاستا که در این فصل هم با آسیب دیدگی روبرو شد تنها دو گل به ثمر رسانده است. سال گذشته بهترین گلزن روخی بلانکو آوارو مورانا بود که چهار گل در ۱۲ بازی به ثمر رساند.

تیم دیگو پابلو سیمئونه تنها در سه بازی موفق نشده است دروازه حریفان را باز کند. این تیم نتوانست برابر اوتسکا، وپارنال و رئال مادرید گلزنی

اتلتیکومادرید نسبت به فصل گذشته آمار گلزنی اش دو برابر شده است.

به نقل از اس. اتلتیکومادرید نسبت به فصل گذشته در لالیگا دو برابر گلزنی کرده است. روخی بلانکو خیلی مشکلات گلزنی داشت اما به نظر می رسد امسال این مساله را حل کرده است. آمار این تیم در این زمینه قابل توجه است و نشان می دهد اختلاف زیادی بین اتلتیکوی کنونی و فصل ۲۰-۲۰۱۹ وجود دارد. قرمز و سفیدپوشان در ۱۲ بازی ۲۴ گل به ثمر رساندند یعنی میانگین دو گل در هر دیدار.

فصل گذشته در ۱۲ بازی لالیگا تنها ۱۲ گل به ثمر رساندند یعنی میانگین یک گل در هر بازی. اتلتیکو تا هفته بیست و چهارم نتوانست ۲۴ گل به ثمر برساند. در آن زمان روخی بلانکو برابر والنسیا

## اصلاحات در فوتبال قطعی است

## چراغ سبز پرز به زیدان، راموس و سوپرلیگ اروپا

توانستیم بین درآمدها و هزینه‌ها سودی ۳۱۳ هزار یورویی را به ثبت برسانیم که یک موفقیت در نوع خود بود. بودجه باشگاه برای فصل بعد ۶۱۷ میلیون یورو پیش بینی شده که بسیار کمتر از انتظارات قبلی است. ما نسبت به فصل قبل ۶۹ میلیون یورو از لحاظ بودجه زیان خواهیم داشت و چاره‌ای جز کاهش دستمزدها نیست.»

**سوپرلیگ اروپا:** «اصلاحات فوتبال نباید بیش از این به تاخیر بیفتد. ما باشگاه‌های بزرگ مسئولیت خطیری از این حیث داریم. باید سطح رقابت و کیفیت تورنمنت‌ها را بالاتر برد که از لحاظ اقتصادی و مالی نیز بسیار به سودمان می شود.»

جام هدایت کرده و دومین مربی برتر تاریخ باشگاه از لحاظ کسب پیروزی است. ما در ۱۰ سال گذشته فاتح ۱۹ جام شده ایم و تیمی برنده و قهرمان داشته ایم. مفتخرم که زیدان مربی و راموس کاپیتان ماست و با این بازیکنان به آینده‌ای روشن امیدوار هستیم. به راموس که بازم در تیم منتخب سال قرار گرفت و در مجموع به همه بازیکنان ایمان داریم و همچنان تشنه کسب قهرمانی‌های بیشتر هستیم.»

**حساب‌های باشگاه:** «فصل ۱۹-۲۰۱۸ توانستیم ۸۲۲ میلیون یورو درآمد داشته باشیم و این میزان فصل گذشته به ۷۱۵ میلیون یورو کاهش یافت؛ یعنی ضرری ۱۰۷ میلیون یورویی. در نهایت اما

بزرگ مثل زین الدین زیدان داریم که تاریخ ساز شده اند. زیدان ما را به ۱۱



رئیس رئال مادرید در جلسه مجمع دیروز باشگاه از زین الدین زیدان و نیز برگزاری سوپرلیگ اروپا دفاع کرد.

رئال مادرید هم مثل دیگر باشگاه‌های بزرگ اروپایی تحت تاثیر پاندمی کرونا از لحاظ اقتصادی آسیب دید با این وجود توانست سود ۳۱۳ هزار یورویی را در پایان فصل گذشته به ثبت برساند. سودی بسیار کمتر از گذشته اما مثبت شدن آن در نوع خود یک موفقیت بزرگ برای باشگاه بود.

**فلورنتینو پرز در جلسه دیروز با اعضای باشگاه گفت:** «پاندمی کرونا زندگی ما را تغییر داد و به شرایطی جدید با عواقبی نامعلوم خو گرفته ایم. ۸ مارچ آخرین دیداری بود که برابر تماشاگران در برنابو به میدان رفتیم و سپس برگزاری بازی‌ها بدون تماشاگر از لحاظ اقتصادی بسیار به ضرمان شد.

خوشبختانه تیمی بزرگ با یک سرمربی

## هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان دریافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکت‌ها

۴۰۰۰ افغانی

۷۰۰۰ افغانی

شش ماهه

یک ساله

قیمت: ۲۰ افغانی

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می گردد.





عبدالواحد حیدری

گزارشگر

حدود سه هفته پیش با خانواده‌ای در یکی از کوچه‌های تایمینی شهر کابل قرار داشتیم. وقتی سر قرار رفتیم، در یکی از اتاق‌های یک دفتر حقوق بشری دو مرد مسن را دیدیم که از پکتیا به کابل آمده بود. بعدا گفت که دو سال است در کابل اداره به اداره سرگردان است تا از سرنوشت یک پرونده آگاه شود؛ پرونده‌ی سنگین و در عین حال غم‌انگیز برای این خانواده.

غلاممحمد صالح‌خیل ۴۵ ساله که دو برادر و سه برادرزاده‌اش دو سال پیش به‌دست قطعه‌ی ۰۸ امنیت ملی کشته شده‌اند، می‌گوید به امید عدالت مدت‌هاست پشت دروازه ادارات و مقامات بلندپایه در کابل سرگردان است تا مبادا خون شش عضو خانواده‌اش پایمال شود. او مدعی است که پرونده پی‌گیری نشده است. سخن‌گوی رییس‌جمهور و دفتر شورای امنیت ملی در مورد سر نوشت این پرونده به اطلاعات روز معلوماتی نمی‌دهد.

### عملیات ۱۵ دقیقه‌ای با ۶ قربانی

قریب به دو سال پیش، در شب دهم جدی ۱۳۹۷ خورشیدی در خانه محمدنعمین فاورق، بزرگ قوم صالح‌خیل و یکی از متنفذین ولسوالی زرمتم در منطقه‌ی «سورکی» ولسوالی زرمتم ولایت پکتیا و برادر ۴۵ ساله‌اش غلاممحمد همه چیز عادی بود و کسی انتظار نداشت که اتفاقی در راه باشد. اما چندین کیلومتر دورتر در ارگون ولایت پکتیا تصمیمی نهایی شده بود، تا چند ساعت بعد خانواده پرجمعیت محمدنعمین را به خاک سیاه بنشانند و خودش کشته شود.

غلاممحمد درحالی‌که روی کوچ یک دفتر حقوق بشری در شهرنو کابل نشست به ماجرای آب شب را با جزئیات شرح داد. در شب حادثه، غلاممحمد مانند محمدنعمین برادر بزرگش در اتاق خوابیده بود. صدای مهیب انفجار از خواب بیدارش می‌کند. وقتی بیرون می‌شود، می‌بیند که دروازه‌های قلعه‌شان را با بمب منفجر کرده‌اند.

غلاممحمد می‌گوید که آن شب نیروهای قطعه صفر ۰۸ امنیت ملی تحت فرماندهی شخصی به اسم شاهین وزیری با استفاده از حدود ۵۰ عراد و وسایط نظامی از ارگون پکتیا به ولسوالی زرمتم آمده و در یک عملیات ۱۵ دقیقه‌ای شش عضو خانواده او را کشته و بخش‌های از خانه‌شان را با استفاده از بمب و راکت تخریب کردند. «در حدود ۱۵ دقیقه شش عضو خانواده» را در پیش چشمان فرزندان، خواهران، مادران و برادران‌شان به شهادت رساند و با عجله از خانه بیرون شد. وسایل زراعتی مانند تراکتور و موتور را تخریب و به آتش کشیدند.

در شب حادثه وقتی غلاممحمد از اتاقش بیرون می‌شود، بلافاصله از سوی نیروهای تحت فرماندهی شاهین وزیری دستگیر و به بیرون خانه انتقال می‌یابد. غلاممحمد به اطلاعات روز می‌گوید نیروهایی که او را بازداشت کرده بودند، دو-سه بار تلاش کردند او را بکشند، اما کسی از درون آن‌ها مانع می‌شد. غلاممحمد نمی‌داند که چه اتفاق افتاده و نمی‌داند که چه بر سر برادر بزرگش و دیگر اعضای خانواده‌اش آمده است: «شب بود و هرکس با فرزندان خود در خانه‌های‌شان خوابیده بود.» آن‌ها به غلاممحمد می‌گویند: «دولت حکم کشتن تمام اعضای خانواده‌ی شما را به ما صادر کرده است. گفتیم که گناه ما چیست. به آن‌ها گفتیم که ما را به محکمه یا هر جای دیگر ببرید که جواب خود را بدهیم. من خبر نبودم که دیگران را کشته است.»

نیروهای قطعه ۰۸ بعد از حدود ۱۵ دقیقه ساحه را ترک کرده و غلاممحمد را هم رها می‌کند. وقتی غلاممحمد از دروازه‌های منفجر شده قدم به داخل قلعه می‌گذارد، با صحنه‌ی تکان‌دهنده روبه‌رو می‌شود؛ تن بی‌جان و خون‌آلود دو برادر، سه برادرزاده و یک پسر کاکا. چیخ کودکان، شیون زنان قلعه را پر کرده بود.

## کلاف سرگم پرونده‌ی یک کشتار گروهی

### پرونده‌ی قتل ۴ عضو یک خانواده توسط امنیت ملی پی‌گیری نشده است



قانون از آن‌ها پرسیده شود که چرا این مردم را به قتل رسانده؟»

اخترمحمد و غلاممحمد می‌گویند که جرم و اتهامی در اعضای خانواده‌شان نمی‌بینند که باعث شود دولت آن‌ها را بکشد: «با شاهین کدام مشکل و اختلاف نداشتیم اما فکر می‌کنم که کدام کسی با شاهین روی ما معامله کرده است.» غلاممحمد این‌گونه فکر می‌کند اما اخترمحمد آن را بازتر می‌کند: «ما فکر می‌کنیم که بعضی فرماندهان و اراکین دولتی نمی‌خواست که او [محمدنعمین فاورق] زنده بماند.»

غلاممحمد مدعی است که تکلیف روانی تنها چیزی است که بعد از کشته‌شدن شش عضو خانواده نصیب خانواده صالح‌خیل شده است. او به اطلاعات روز می‌گوید مادر ۹۰ ساله با هر بار دیدنش به یاد دو پسر و سه نواسه کشته‌شده‌اش می‌افتد و هر دم زجر می‌کشد: «پسرم! تو را نکشته است؟ برایش می‌گویم که نه من خوبم و دیگران هم خوب‌اند. می‌گویند نه. دیگران را هرکسی کشته، فقط خدا انتقامش را بگیرد دیگر کسی نمی‌تواند. وقتی بیرون می‌روم، می‌پرسد که نزد والی یا رییس‌جمهور نرفته بودی که چرا برادرانت و بچه‌هایش را کشتند؟ می‌گویم رفته بودم، انشالله در هفته‌ی پیش رو محاکمه می‌شود.» غلاممحمد می‌گوید، این گفت‌وگوی همیشگی او با مادرش است.

از چهار برادر غلاممحمد، حالا دو برادرش زنده است و همراه با غلاممحمد مسئولیت سنگین خانواده حدوداً ۸۰ نفری را به دوش می‌کشند.

### پاسخ مقامات دولتی

اطلاعات روز این موضوع را با مقامات محلی، امنیت ملی، اداره مستقل ارگان‌های محلی و دفتر شورای امنیت ملی شریک کرده است. مقامات فعلی ولایت پکتیا در صحبت با خبرنگار اطلاعات روز در پکتیا می‌گویند که این رویداد مربوط دو سال قبل بوده و آنها از آن اطلاعی ندارند.

شمیم‌خان کوتوازی، رییس فعلی اداره مستقل ارگان‌های محلی که در آن زمان والی ولایت پکتیا بوده است، این حادثه را تأیید کرده و گفته است که اداره محلی پکتیا از راه‌اندازی عملیات در منطقه اطلاع نداشته و این منطقه تحت کنترل گروه طالبان قرار داشته است: «پس از وقوع رویداد، اداره محلی پکتیا تحقیقات همه‌جانبه را در هماهنگی با ادارات مربوطه انجام داده، چنانچه اداره محلی قضیه مذکور را در سطح مسئولان ارشد امنیتی وقت و نیروی‌های حمایت قاطع در جریان گذاشته بود که اکنون قضیه مذکور در دفتر شورای امنیت ملی و اداره محلی پکتیا مورد تعقیب و بررسی قرار دارد.» اما مقامات محلی در صحبت با خبرنگار اطلاعات روز در پکتیا می‌گویند که هیچ پرونده‌ای در رابطه به این موضوع در پکتیا جریان ندارد.

اطلاعات روز این موضوع را بیست روز قبل (دوشنبه، ۱۰ قوس) با ریاست عمومی امنیت ملی کشور شریک کرده و پرسیده، اما بعد از بیست روز نتوانست پاسخ خود را از ریاست عمومی امنیت ملی به‌دست آورد.

اطلاعات روز این موضوع را حدود ۱۵ روز قبل (شنبه، ۱۵ قوس) از طریق فورم دسترسی به اطلاعات به آدرس سخن‌گوی این اداره شریک کرده، اما این اداره به پرسش اطلاعات روز هیچ پاسخی نداده است.

یک سال بعد از کشته‌شدن شش عضو این خانواده، رییس‌جمهور غنی در یک گفت‌وگوی ویژه با طلوع نیوز که به تاریخ ۱ سنبله ۱۳۹۸ خورشیدی منتشر شده است، گفته بود «هدایت قاطع» داده است تا این حادثه بررسی شود و در صورتی که حقیقت داشته باشد، عاملان آن مورد مجازات و محاکمه قرار می‌گیرد. اما این بررسی این دستور ریاست‌جمهوری به کجا رسید، سخن‌گوی ریاست‌جمهوری پاسخ نمی‌دهد و می‌گوید که باید با نهادهای امنیتی و دفاعی صحبت کنیم.

ملی افغانستان را به عهده داشت، دیدار کرده و خواهان پاسخ‌گویی شده است، اما هنوز هیچ یکی از مقامات به آن‌ها پاسخی نگفته است: «ارگانی نیست که ما دروازه‌اش را تک تک نکرده باشیم و فقط رییس‌جمهور را ندیدیم. برای دیدنش زیاد تلاش کردیم اما کسی به ما اجازه نداده است.»

غلاممحمد می‌گوید که خواهان انتقام نیست و اگر بخواید انتقام بگیرد، مردم زرمتم به حمایت او سلاح برداشته و توانایی مسدود کردن شاهراه را دارد: «من انتقام نمی‌خواهم که خودم تفنگ بگیرم. من وطن را تخریب نمی‌کنم، این خاک را خراب نمی‌کنم و افغان‌ها را نمی‌کشم اما صد سال هم که شده در چوکات قانون حقم را می‌خواهم.»

می‌گوید دو بار با محمدمعصوم استانکزی، رییس عمومی آن وقت امنیت ملی کشور دیدار کرده که هر دو بار آقای استانکزی وعده داده که در پنج روز به این این پرونده رسیدگی می‌کند: «بار دوم وقتی در ریاست امنیت ملی با استانکزی دیدار کردیم، گفت یا به قضیه شما رسیدگی می‌کنم یا استعفا می‌دهم.» به گفته غلاممحمد صالح‌خیل، باری آقای استانکزی به آن‌ها پیشنهاد پول و پست‌های خوب برای دانشجویان این خانواده می‌دهد، اما غلاممحمد راضی نمی‌شود و می‌گوید تا زمانی که دلیل قتل اعضای خانواده‌اش مشخص و عاملان محکمه نشود، پرونده را رها نمی‌کند.

او از معصوم استانکزی هم شکایت دارد: «حالا به دوحه رفته و هیأت مذاکره‌کننده صلح دولت افغانستان با گروه طالبان را رهبری می‌کند. من از طریق شما و رسانه‌ها بلائیش صدا می‌زنم که آقای استانکزی ما را که به قتل رساندی، نمایندگی مرا چگونه می‌کنی؟ وقتی برگشتی بالای تو هم عارض می‌شوم. تو آن‌جا از افغان‌ها چگونه نمایندگی می‌کنی؟»

وقتی آن‌ها در یک دفتر حقوق بشری دیدیم، پروند قطوری از انواع و اقسام درخواستی و عریضه به آدرس ارگان‌های مختلف داخلی و بین‌المللی، زیر بغل داشت: «خواست من از رییس‌جمهور این است که اگر برادرانم و فرزندان دانشجویان مجرم باشند و به من قناعت داده شود، جزای همه‌ی سروصدا و دادخواهی خود را هم مطابق قانون سپری می‌کنم. کسی که با من ظلم کرده، افغان بود و فرمانده قطعه ۰۸ و شاید کسی دیگر هم همکاری کرده باشد. اگر نظام وجود دارد، آن‌ها خواسته شود و در چوکات

به گفته غلاممحمد صالح‌خیل، باری آقای استانکزی به آن‌ها پیشنهاد پول و پست‌های خوب برای دانشجویان این خانواده می‌دهد، اما غلاممحمد راضی نمی‌شود و می‌گوید تا زمانی که دلیل قتل اعضای خانواده‌اش مشخص و عاملان محکمه نشود، پرونده را رها نمی‌کند.

اداره ارگان‌های محلی برای ریاست‌جمهوری فرستاده است تا زمینه دیدار خانواده قربانیان با رییس‌جمهور را فراهم کند. او گفته که همین قدر توانایی داشته است.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان می‌گوید که «احتمال بسیار زیاد» وجود دارد که نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه صورت گرفته باشد و دولت افغانستان مکلف است که خواست قربانیان را بشنود. ذبیح‌الله فرهنگ، معاون سخن‌گوی این کمیسیون به اطلاعات روز گفت: «دولت افغانستان باید قضیه را تحقیق کند و بررسی خود را انجام بدهد. در صورتی که ثابت شود که افراد ملکی و افراد غیرنظامی قربانی شدند، این می‌تواند مصداق جنایت جنگی باشد و دولت مکلف به شناسایی عاملان نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه است.»

آقای فرهنگ می‌گوید که از نهادهای عدلی و قضایی انتظار دارد تا پس از شناسایی شدن عاملان در تأمین عدالت اقدام کند.

### فریادهای بی‌پاسخ

فریاد آن شب مردم زرمتم جنازه‌های این شش عضو خانواده را برداشته و برای دادخواهی به مقر ولایت پکتیا می‌برند. به دنبال آن، هیأتی از مجلس سنا برای بررسی این قضیه به پکتیا می‌رود. یک هیأت فنی دیگر از ولایت پکتیا توظیف می‌شود تا این حادثه را بررسی کند. سومین هیأت از کابل به پکتیا رفته و در محل حادثه را از نزدیک بررسی می‌کند.

برعلاوه بررسی این هیأت‌ها، غلاممحمد می‌گوید که چندین بار با مقامات محلی و مقامات در کابل به‌شمول محمدمعصوم استانکزی، رییس فعلی هیأت مذاکره‌کننده دولت افغانستان با طالبان که در آن زمان ریاست عمومی امنیت